

# قیام ایران

۶۲ میل ۱۸۷  
(دوره جدید)  
پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۵  
۲۲ ژانویه ۱۹۸۷

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

حسینی مشکان

## والاحضرت اقدس

### حاج احمد آقا ولیعهد!

آیت الله خمینی هدیه جدیدی برای ملت ایران در نظر گرفته است: ولایتعهدی آقا زاده، حاج احمد آقا! از چند هفته پیش، فرامینی که قبلاً "بهامضای آیت الله میرسیدیا از طریق دفتر مخصوص وی ابلاغ میشد مستقیماً" توسط احمد خمینی صادر می شود. این مقدمه می است بر انتقال مستدیر به فرزند و اعلام رسمی جانشینی احمد آقا.

سعدی می گوید یکی از ملوک خراسان محمود سبکتکین را بخواب دید که جمله وجودش ریخته و خاک شده بود مگر چشمان او که همچنان در چشمخانه میگشت و نگاه می کرد. حکما از تاء ویل خواب فرمودند: درویشی بجای آورد و گفت هنوز نگران است که ملکش با دگران است!

بقیه در صفحه ۱۲

## رابعه و بکتاش

در صفحه ۶

م. کیلان زاد

## عواقب دادوستد پایایی

به دیگر کشورهای جهان اعم از مالک بلوک شرق و کشورهای سرمایه داری غرب و عقد قراردادهای بازرگانی و دقت در ما هیئت این دادوستدها، روشن می شود که قسمت اعظم این مصوبات را معاملات پایایی و بقولی دیگر تهرانی تشکیل می دهد. تا کنون رژیم با کشورهای چینی، ژاپن - سوئد - شوروی - انگلستان، مجارستان و چند کشور فریقائی و چین و غیره که به مذاکره نشسته و ملاقاتها پیشان بهامضای قرارداد انجام میدهند، بیشتر اینها بر محور تجارت پایایی بوده و در این رابطه تقاضای خرید و بدون رد و بدل شدن ارز انجام گرفته و جمهوری اسلامی در ازای دریا فت تولیدات صنعتی و دیگر لوازمات خود را از دیگر کشورها بصورت نشت بسنده کرده است.

بقیه در صفحه ۱۰

هادی یزاد

## چراغ راه فردا

غدا روحیله گرتا آن زمان تلاش کرده بودا ز تنگنا های بحق مردم - که هرگز از قلمرو آزادی و استقلال و عدالت، یعنی خیر ما به مشروطیت تعطیل شده - فراتر نمی رفت، چندان بلافاد که دلها را تسخیر کند. از این روی، در همه "تزویر و حیل و صحنه های دلفریب، صدای بختیار که صدای حق و عدالت بود، بگوش نمی رسید. قلب و گواهی می داد که سقوط ایران در پیش است، بخت پیروزی اندک است. ولی بخود می گفت این بیانه ای بر برای

بقیه در صفحه ۲

که کمربند دویه میدان وارد شود. به ایران معدود آن روز خود در نخستین روزها یاد آور شده بود که به میدان می روم، ولی به شما بگویم، اقبال موفقیت چندان نیست. پس شما را دریا وری مختار می گذارم. یاران گذشته اش آنها که با مدق بزرگ، ادعای پیوند عشق و اعتقاد داشتند، از او بریدند، به یک دوزخی روی آوردند، ملت معصوم ایران که دهها سال از هرگونه تجربه سیاسی محروم مانده بود، در آن وانفاسا به دروغ زن بی نظیر تاریخ، یعنی روح الله خمینی تسلیم شده و پیر مرد

## بمباران تهران و نبردهای حومه بصره

اعلام گردید که در این بمباران، سه تن از هم میهنان ما کشته شده اند، اما از اعلام نام مناطق بمباران شده، خودداری ورزید.

بر اساس گزارش های تلفنی، در جمله هوایی روز شنبه ۱۷ ژانویه عراق به تهران، نواحی اطراف دانشگاه ملی (ولنجک و سعادت آباد)، کوه های سعادت آباد (در بند)، جمال آباد (یا لاتراکاخ نیوران) بمباران شد. بقیه در صفحه ۳

بر پایه بیانیه های نظامی جمهوری اسلامی، دوشنبه نوزدهم ژانویه، نیروهای رژیم تهران، به حومه بصره رسیدند. پیش از آن، روزیکشنبه گذشته، ها شمعی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع گفته بود که نیروهای جمهوری اسلامی ده کیلومتر به سوی بصره پیشروی کرده اند و حومه دومین شهر بزرگ عراق، دریا تصد جزایری می باشد، "ام الطویل" و "بواریان" قرار دارد.

در گریه های که نبردهای خونین و پیر کشتار در منطقه کربلا پنج در جنوب شرقی بصره جریان داشت، شنبه گذشته، عراق، با بتخت ایران را هدف بمباران قرار داد. سخنگوی بغداد گفت: نیروی هوایی عراق، اقامتگاه آیت الله خمینی، و دفاتر کار همکاران نزدیک وی را بمباران کرده است.

رادیوی رژیم، پس از وقوع این حمله

## ماجرای پنهانی ارسال

### اسلحه فرانسوی به ایران

مجله اسپرس چاپ فرانسه در شماره ۱۰۰۰ هفته خود نشان کرد که مقامات بلند پایه دولت فرانسه از قاچاق جنگ افزار به جمهوری اسلامی توسط شرکت فرانسوی "لوشیر" کاملاً مطلع بوده اند. اما با وجود هشدارهای مکرر سازمان نهایی اطلاعاتی فرانسه، از آن جلوگیری نکردند. ماجرای شرکت لوشیر در فروردیه سال گذشته بوسیله یک نشریه محلی فرانسوی از پیرده بیرون افتاد. در آن زمان روزنامه "بندر" شربورگ "فاش کرد که صد ها هزار گلوله توپ و خمپاره ساخت شرکت لوشیر که ظاهراً "مقدّم آنها برزیل، تایلند، یوگسلاوی، پرو و اکوادور ذکر شده بود، از پنا در فرانسه در بندر عباس به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

بقیه در صفحه ۱۲

ترکیه:

## توطئه حجاب اسلامی

درست همزمان با دیدار معاون وزیر خارجه ترکیه از تهران، مدرسین حوزه علمیه قم نامه ای برای روزنامه های تهران فرستادند و در آن به دولت ترکیه حمله کردند که چرا از ورود دختران با حجاب به دانشگاهها و مراکز آموزشی جلوگیری می کند، چرا تلاش محافل مذهبی ترکیه را برای اشاعه تعالیم اسلام، ارتجاعی می خواند. در این نامه، انگار که می خواهند به آتاتورک اهاننت کرده باشند، او را بی دین و ملحد و خدا شناس خوانند.

بقیه در صفحه ۱۱

۱۰

## کربلاهای در هم شکسته

رژیم تهران هر بار که حمله تازه ای را در جنگ آغاز می کند، هیاهوی بسیار برپا می اندازد، و هر بار که حمله اش ناکام می ماند، دست از هیاهو بر نمی دارد، بلکه آن را در جهت دیگری سرمی دهد تا اذهان مردم را از شکست منحرف گرداند و به سوی دیگری بکشد.

حمله های شکست خورده کربلا ۴ و ۵ و ۶ از این قاعده برکنار نبود. در حالی که، یک هفته پس از آغاز حمله موسوم به "کربلا ۵" وزارت خارجه ایالات متحد آمریکا اعلام کرد که حمله عملاً متوقف شده

است، رادیو تهران همچنان سرگرم رجزخوانی در این باره بود که "لشکریان اسلام" چگونه "قوای کفر" را تا رومسار کرده اند.

با اینکه، تبلیغات رژیم تهران در باره پیروزیهای خیالی، دم خروسی دارد:

دانشانه وجود دارد که شکست حمله کربلا ۵ را عیان می سازد، نخست اینکه فرماندهان سپاه پاسداران نامه ای به آیت الله خمینی نوشتند، یک هفته پس از آغاز عملیات، به او قول دادند که شکست حمله

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

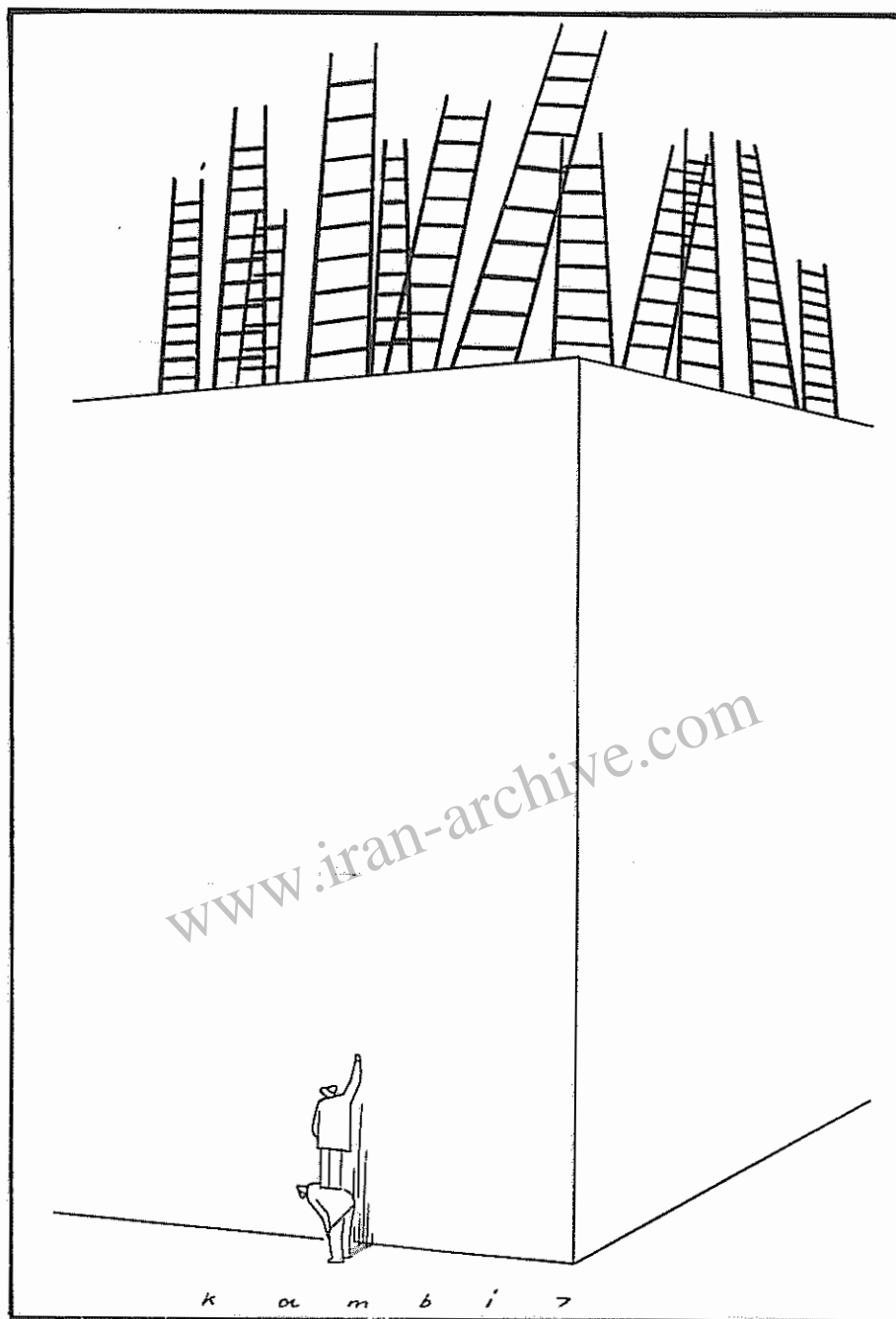
انسانهای پایبند به اصول نیست، تاشانه از زیر بار سنگین مسئولیت خالی نکنند. می دانست که دیر به سر آغش آمده اند و اگر در آن روزهای آتشبار، رژیم بر سر آن نبوده که همچنان از بازار مستعمل و زنگ خورده خود عاجز بخواهد و از آغز به با و روی می آورد، توان او که ریشه در صداقت و ایمان بسته، و باورش در حقانیت ملت و عشقش به استقلال ایران خلل ناپذیر مانده بود، برای پیروزی او یعنی پیروزی ملت، کافی بود.

ذکر مصیبت نیست که این روزها دیگر نیاید از مصیبت پیش از انداز گفت و شنید که هنگام چاره گیری است. از گفته ها و شنیده ها، آن هم در این ایام خاص که بی تردیدی از مراحل پر دردناک ریخ ایران ماست، تنها بدین دلیل باید یاد کرد که عبرتی بسا زد، عبرتی که چراغ راه شود در این شب و تاب نجات، به تکرار خطا نیانجامد.

از زبان بختیار ریگوشیم که زبان خود او و در وصف آن روزهای تب دا رگویی تر است.

در کتاب خود، یکرنگی، در نخستین صفحه آنچه از ماجرای دعوت شاه می گوید، عبرت آموز است. شاه می پرسد: "شماره از کی ندیده ام؟" و جواب می شنود: "از ۲۵ سال پیش اعلیحضرت، قاعدتا این باید در خاطرتان باشد." شاه می گوید: "در این فاصله هیچ پیر نشده اید." جواب می شنود: "من به تحقیق پیر شده ام، اما شاید آثاری که گذر زمان بر مخالفین رژیم می گذارد، به سبب فرسودگیهای ناشی از قدرت متفاوت باشد." بنای سخن بیداست، مبارزه در راه آزادی خاصه وقتی که به عشق و صدق تمام میخیزد، با بیبری نمی خواند. او می خواهد بگوید که ایمان و اعتقاد در روح را صیقل می زند و طراوت را در متن زندگی و در عمق زندگی باز می سازد و فرسودگی را عقب می زند. می نویسد در آن غروب و ایل دیماسه ۵۷، ایران به طرف هرج و مرج می رفت من جلوی پادشاه ایستاده بودم، به این منظور که بگویم ایران در سراشیب را از لغزش به عمق هرج و مرج بازدارم، سراشیبی که پرده خسته اشتباهات مکرر بود، دولت ها سه ماه به سه ماه جایگزین هم می شدند. شریف ما می، از هاری و دیگران. اما آیا دولتی هم بنا به دولت بختیار تشکیل خواهد شد؟ با پیدا وضع سخت ناسمان با شدوا اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی آگاه به میزان نابسامانی، تا چنین فکرو را زده ای از خاطرش خطور کند. شاه صندلی را به او تعارف می کند و رودر روی هم می نشینند و سکوت لحظاتی حکمفرما می شود. پادشاه سخن را می آغازد: "این پدیده، خمینی چه میخیزد؟" - اعلیحضرت واکنش در مقابل دولت های بیایی است که ما از حضور اعلیحضرت تقاضا کرده بودیم از آنها بفرمائید. "شاه که ظاهرا" به این عادت نداشتند ردمی پرسد: "چون اگر آنها"

چراغ راه فردا



www.iran-archive.com

شاید هیچ نیست، در مردم کوچک و بزرگ امیدبخش و کار ساز است و افسوس که این فرصت به هزار رنیرنگ کوتاه و کوتاه تر می شود. ارتشی که می بایست بسا او همداستان شود - نه در بیکره دلور و ملی گرایش که در راه خود خود را می باز دود به دشمن تسلیم می شود و بدینگونه تجربه ای که خمیرما به بیداری می توانا نبود متوقف می ماندا ما در همان و انفسا و مخصوصا "در آن لحظه ها که دسته بندی های ضد ملی ردیف می شوند و ستون ارتش به توطئه مشت از فرماندهان بزدل و خودباخته در هم می شکنند، اندیشه دیگران و این است که تا آخرین لحظه، سنگ را از کف ندهد و بر قول و قرارهای ۳۰ ساله خود بیاید، و عهد خود را با آزادی و استقلال علیرغم فضای ناسا عدالت زه کند. پیش خود می گوید حتی شکست در چنین عوالمی خود سراسر به عبرت هاست. صدای حق، ولو از یک دهان، با پدیدماند، اگر امروز در پشت دیوار ضخیم دروغ و تزویر می شکنند، در فضای تاریخ و زندگی زنده خواهد ماند و همین چراغ راه فردا است. بختیار در آن شرایط کور به همه تعهدات آرمان های خود، تا آنجا که می تواند عمل می کند. سالهای سال گفته است، قضاوت را فقط در راستای عدالت تمکین می کند و آن روز که بر مسند حکومت می نشیند همه آنها را که در محاکمات غیر ما لح، خواه مجرم و خواه متهم بیگناه، محکوم شده اند از زندان و از بند می رها کند. وجه بسیار از همانها به خصومت، رودر روی سنگسار می گیرند و او این را پیشا پیش می داند. ولی در منطق بختیار، مهم تکاء به اصول است. تکاء به عدالت است و اتکاء به حقانیت ملت است. سازمان منیت را که از رسالت خود منحرف شده و رودر روی ملت ایستاده است، منحل می کند. چرا؟ یکجا برای آنکه نمی توانا از اصول اعتقادی خود، حتی بنا به مصلحت، بگریزد و جای دیگر برای آنکه می داند که سرچشمه بسیاری از ویران گریها در همان سازمانی است که روزگاری مردم را فشرده است و آن روزها - چون بیری از هرگونه اعتقاد دویگانه از وظیفه است - به خدمت ابلیس سر گذاشته است. هستند از غرض و رزانی که بر او خرده می گیرند که چرا چنین و چنان کرده غافل که او نه در خط جا طلبی که بر راه تحقق باورها و ایمان دیرین خود کمر بسته و به میدان آمده است. باری بختیار در آن تانیه ها که می دید بندها بریده می شود و کار از دست می رود، نه به قول هیولا اعتناء می کند تا خود را نجات دهد و نه از سریمان می گذرد که هم رنگ زمانه شود. چرا؟ زیرا می داند در آن صدائی که از زطنین با زمانه است در فرصتی دیگر صدای نجات، صدای بیداری و ندای پر عزت ملت خواهد شد. او امروز هم اوست که تنها تکیه گاه است. چرا؟ زیرا که در آن و انفسا هم او ای نامردمان مردم فریب نشود و در عرصه عمل مسلم ساخت که از زمانه نگاری ملت بیداری اوست. و این مغز عبرت است، مغز درسی است که در میراث دولت کوتاه عمر او نهفته است.

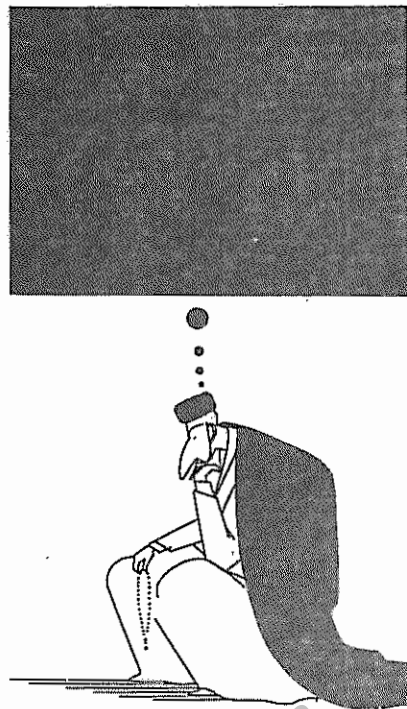
بقیه در صفحه ۳

نها ده اند. بختیار در آن روز در آن فضای هولناک و آتشبار، کوله بار طاقت سوز و وظیفه را به دوش می گیرد، بی آنکه امید زیادی در دل بخته با شکر آنرا به سلامت به منزل آخربکشاند. باریان مدعی ملی گرائی او را ترک کرده و به او من دیوا و بخته اند و ملتی که همواره عزیزش داشته است، چنانکه هنوز هم می دارد، صدای او را از درون قبیل و قبال گوش خراش صرافان حیل گزینی شنود. زمان تنگ است حالی که او به زمان نیاز دارد. بیداست که در همان لحظه های تنهایی، به دور رسالت فکری کند: که در یکی ناکام می ماند، و در دیگری کامیاب. او به خود گفته است اگر کمیلت را به هر ترتیب طوالتی کنم، به ظهور حقانیت خود و آگاهی ملت افسون شده، ما به خواهم داد. این حساب نادرست نیست اگر در نخستین روزهای زمانه مداریش، فقط ۵ هزار تنی با او همداستان می شوند و به ندایش پاسخ می گویند، در پایان ماه این رقم به ۱۵۰ هزار می رسد و پیداست که استعداد بیداری اگر در رهبران راه کم کرده و باریان نیمه راه، اندک است و

را تحمل نمی کرد. "و بیا مداین سخن نیز سگوتی سنگین و دویا راه است. بختیار را دامه می دهد: "اعلیحضرت، من به خزان زندگی رسیده ام، در این تالار حرف های آلوده به دروغ زیاده زده شده است. اعلیحضرت ما یلند که من هم به همان روال ادا مدهم؟ یا به من اجازه می دهند که حقایق را بگویم؟" و این در حقیقت از شرایط پذیرش مسئولیت است که بی آن مقابله با دیوی که نیم بیکره اش از شیشه بیرون آمده است میسر نیست. بدینگونه بختیار تحمل با رگبران را می پذیرد. پذیرشی که معیار تشخیص انسان های روشن بین است. قبول مسئولیت در ایام بهتجاریگری است که از هر کسی برمی آید، که خود را به طلب و تمنای مولائی بیدند و آقائی کنند. و از این گونه فراوان داشته ایم و امروز هم، در سرزمین آتش گرفته ما فراوان داریم که بندگی غیرتی را به دست هیولا سیرده و ملتی را به آتش کشیده و ناسا را رژیم و حکومت قرآن



## دین دروغ آلوده



سیاست ما عین دین است " دلیل راه تراز داده، بزرگترین صدمه را به دنیا نیست و سیاست هر دوزده است، او نه تنها سیاست

اگر دروغ را قدرتی برای انفجار، تخریب یا انهدا بود، رژیم تهران امروزه تنها سرزمین عراق، بلکه تمامی کشورهای مسلمان منطقه را به زیر سلطه خود کشیده درمزره‌های اسرائیل سرگرم نبرد با به اصطلاح "دشمن صیہونیست" بود. هر بار که جمهوری اسلامی به تلاش جنگی تازه‌ای دست می‌زند، کارخانه دروغساز او نیز با تمام ظرفیت ممکن مشغول کار می‌گردد.

اگر تا ماریان کارخانه دروغساز را باور کنیم، امروزه تنها عراق همه تا نکها و هواپیماها را که ارتش آن در اختیار داشته‌است ز دست داده‌است، بلکه حتی سیاهی نیز نداشت که تا نه‌ها پیش قسرت حمل تفنگ‌های سبک نیز داشته‌باشد. نه تنها زرادخانه عراق یکسره خالی شده‌است، بلکه بسیاری از سلاح‌های انبار شده در کشورهای دیگر نیز در میدان جنگ یا از بین رفته‌بود یا به غنیمت رزمندگان توانمند اسلام‌خیمی درآمده‌است.

اگر کسی حوصله کند و آمار خسارت‌ها را نگاه کند که رژیم تهران مدعی است بر عراق وارد آورده است، به ارقامی خواهد رسید که زشتیدن آن‌ها هوش‌آزسوداگران اسلحه می‌پرد. از آسمان این دروغ هر روزها هواپیما به زیر آفکنده می‌شود، در میدان این دروغ هر روزها تانک و خودرو و نفربر منهدم می‌گردد، در رزمگاه این دروغ هر روز هزاران تن بر خاک هلاک می‌افتند. اما این دروغساز سکه‌ای است که روی دیگر هم دارد، و آن، قدرت سازندگی آن است. در کارگاه دروغ رژیم تهران از سلاح‌های سبک و خودرو گرفته تا هواپیما مدرن و تا نکهای پیشرفته به میزانی ساخته می‌شود که این رژیم در واقع اصلاً نیازی به بازارهای خارجی ندارد. علی‌الکبر رفسنجانسی که بتازگی هر چه بیشتر نقش میان‌داری جنگ را ایفا می‌کند، روزی گفته‌بود که وا حد تحقیقات جنگی سپاه پاسداران به ساختن سلاح‌های موفقی شده‌است که وقتی جنگ تمام‌شده، آن‌ها را روخا هدر کرد و دنیا را انگشت به دهان خواهد ساخت.

حالاً اینها چه سلاح‌هایی است که رفسنجانسی هنوز نمی‌خواهد آن‌ها را رو کند و علنی کردن آن‌ها را به پایان جنگ موکول کرده است، نکته‌ای است که هر چه اندیشیدیم نتوانستیم جوابی برای آن بیابیم. حالاً رژیم که در ساختن سلاح‌ها و تکنولوژی تسلیحاتی این همه پیشرفت‌های حیرت‌انگیز کرده، چرا برای تهیه سلاح در هر جادریوزگی می‌کند و جنس یک دلاری را به صد دلاری خرید، نکته‌ای است که تا دیدن رفسنجان را در کمیسیون‌ها و دلالتی‌های کلانی که بول آن به حساب‌های بانکی حضرات درخرا از کشور ریخته می‌شود، پیدا کرد.

آیت‌الله خمینی، که این سخن تقی‌مدرس را که "دین ما عین سیاست است" و

را از دروغ‌نبا لایید، بلکه دین را نیز سر اسیر دروغ آغشت. در رژیمی که او برپا کرده است، راستگوییان مدا م مورد غضب آن خدا می‌گیرند که او خود را آیت و نما بنده وی بر خاک می‌داند، و دروغگوییان مدا مقام و منزلت بیشتری پیدا می‌کنند.

سخن راستی که در رژیم تهران گفته‌شود، بیشترین زیان را به اسلام و می‌رساند، ولی دروغ هر چه بزرگتر و شادتر گفته‌شود به تحکیم مبانی دین بیشتر کمک می‌کند. تا کنون آستین یک نفر از این سردمداران و کارکنان رژیم را نگرفته‌اند که چرا اینقدر دروغ گفته‌ای، حال آن که راستگوییان مدا کثرت با لکنت زبان می‌توانند مقصود خود را بیان کنند. این جدر رژیم است که در آن دروغزنان بزرگ چنین بی‌برو در میدان سیاست ناخوت و تازی می‌کنند، حال آنکه راستگوییان با ید مدا م بر جان خود بلرزند؟

در سلسله مراتب رژیم هیچکس حق ندارد در باره دلیل ادا همه جنگ، میزان تلفات آن، وضع واقعی آن و عاقبت آن سخنی بربزبان براند. آزادی بیان از همه سلب شده است، مگر از آن کسانی که زبان به ستایش جنگ بی‌هوده می‌کنند و دروغ‌های رژیم را تکرار می‌کنند.

در رسانه‌های غرب اگر فقط یک سخن راست در باره جمهوری اسلامی گفته‌شود رژیم بتواند آن را به سود خود تعبیر کند، آن سخن را مدا م به عنوان گواهی معتبر در سرنای تبلیغاتی خود می‌دمند، ولی اگر از همان منبع هزارها سخن راست و این بار به زبان رژیم تهران - برآید، کلامی در باره آن نمی‌گویند یا اگر بگویند در انکار آن است با این تاء کید که از رسانه‌های "استکباری - امپریالیستی - صیہونیستی" ما در شده است.

نه تنها ارقام و اعدادی که رژیم در باره جنگ منتشر می‌کند دروغ یا بسیار مبالغه‌آمیز است، بلکه در باره هدف جنگ نیز دروغ می‌گوید، بینوا توضیح نمی‌دهد که اگر جنگ برآستی تحمیلی است، چرا این همه آزار به ادا می‌دهد؟ چرا یک بار برصراحت و به‌سبام نمی‌گوید چه کشوری، چه دولتی یا کدام گروه از کشورهای و دولت‌ها جنگ را به او تحمیل کرده‌اند؟ چرا یک بار با خود نمی‌اندیشد کسی که جنگ را تحمیل کرده، این قدر هم قدرت و نفوذ دارد که صلح را تحمیل کند؟



چنین دعوتی نیز تیا فته است. او یک جانشین اسمی دارد به نام حسینعلی منتظری که ظاهراً "دیگر هیچکس برای پیش تره هم خرد نمی‌کند. او یک جانشین رسمی به نام سید احمد خمینی که خط او را کم کم دارند در همه جا می‌خوانند.

در رژیم تهران تغییرهای بزرگی در پیش است و جابجایی مهمی در آن به چشم می‌خورد. این جابجایی قدرت با ید هر چه بی‌هوا تر و آسان تر صورت گیرد. از اینرو هیا هودر جبهه‌های جنگ با ید هر چه بیشتر گردد.

دستا و بزرگترین در سرکوب ناخرسندیها و مخالفت‌هایی که مدا م کسترش بیشتری می‌کند، همواره این است که شهیدان در جبهه‌ها دارند خون می‌دهند، پس رواست که به احترام این فداکاری، مسست کمبودها را تحمل کنند و ناخرسندیها را مخالفت‌خواهی بردارند. ولی با جبهه‌های آرام نمی‌توان از این حیل‌نتایجی را که رژیم انتظار دارد، بدست آورد. پس با ید در جبهه‌ها برآستی خونسی ریخته‌شود.

برای خمینی اصلاً مهم نیست که به هدف‌های سیاسی خود با کدام مدرجه از خونریزی دست می‌یابد، او از کشته شدن ده نفر به همان اندازه نادم که خم به ابرو می‌آورد که از کشته شدن ده هزار نفر. مهم این است که از بیت‌امام خونسی در جبهه‌ها ریخته‌شود. هزاران هزار نفر در خون خود بیفتند به ترکه قطره خونسی از دماغ سید احمد خمینی بچکد.

در این روزهای سرد زمستان اگر سرما به اتاق گرم و آراسته به بالش‌های نرم سید احمد خمینی نفوذ کرد، در دلد ما دران دا غدیبه نیز به قلب سرد روح لاله خمینی نفوذ می‌کند.

## تقلید خمینی از کیم ایل سونگ

انفجار حتمی را دست کم به تعویق افکند. برای رژیم دیگر تشریدن به نمایندگان مجلس که قفل برده‌ان نهند و با از کسیم خود را زرتکتندکافی نیست. دیگر کار کافی نیست که چند نما بنده مجلس خود را با زدا شت کند و جماعت تهدید و اعراب را بر سرهای که ممکن است سودا می‌شوند اما ده برای کوبیدن نگاه دارد. دیگر کافی نیست که روزنامه‌ها را با ببنند یا آن‌ها را به زیر عیای ولایت فقیه بکشاند. دیگر کافی نیست که ادا منسه استبداد ولایت فقیه را مدا م کسترنی بیشتری بخشد و حتی به رئیس جمهوری بفرماید که مقام بسیار ثین تر از آن دارد که مخاطب مستقیم آیت‌الله پیشوا قرار گیرد کافی نیست که ولایت فقیه به رئیس جمهوری خود با واسطه احمد خمینی او را مرخوبی را ابلاغ کند. کافی نیست که رئیس جمهوری حق نداشته باشد به سید احمد خمینی در سلسله مراتب سیاسی یا اداری رژیم تهران چه کارها است و در کجا قرار گرفته است که در مجلس خیرکسان شرکت می‌کند، در جلسات خصوصی مجلس شورای اسلامی شرکت می‌کند، در شورای عالی دفاع شرکت می‌کند. در جلسات هیات دولت شرکت می‌کند و خلاصه در هر جا که دلش خواست شرکت می‌کند؟

دست کم کیم ایل سونگ رهبر حزب کمونیست کره شمالی بر سر راه رسما "به جانشینی خود بر کزیده به رعایای خود دستور داده است که از وی اطاعت کنند، ولی خمینی رعایای خود را حتی در خور

اگر تا کنون کمترین تردیدی وجود داشت، اکنون دیگر کمترین تردیدی در این باره وجود ندارد که رژیم تهران از جنگ بعنوان پرده‌ای برای پوتاندن اختلاف‌های داخلی نیز استفاده می‌کند. تمامه‌دنی نیست که رژیم تهران درست‌هنگامی بر تلاش‌های جنگی خود افزوده است که اختلاف‌های داخلی رژیم را گامی دیگر به پرتگاه سقوط حتمی نزدیک کرده است. رسانه‌های همگانی رژیم، از جمله رادیو خمینی، از آژیر نوحه‌ها می‌هر چه بلندتر برای پیروزی خیالی می‌کشند تا صدای نا رضایتی عمومی از جنگ هر چه کمتر به گوش برسد. در این میان از ایران - ایران واقعی و نه آن ایرانی که در آینه کج و کوله تبلیغات رژیم می‌تابد - خبر پشت خیر می‌رسد که تبلیغات جنگی رژیم جز تا شیز معکوس بر مردم ندارد. کوس تبلیغاتی حکومت اسلامی در اعلام پیروزی‌ها و کامیابی‌های دروغی - هر چه بلندتر نواخته می‌شود، به همان اندازه چشم و نغرت را ستین همگانی از رژیم و جنگ شدت بیشتری پیدا می‌کند. مردم ایران دیگر خوب می‌دانند که میان ما و کشور همسایه هیچ مسئله‌ای وجود ندارد که نتوان از راه گفت و شنود و مذاکره حل کرد، و هیچ گرهی در روابط ما نیست که برای کشودن آن با ید به شمشیر جنگ متوسل شد. اگر امروز رژیم تهران همچنان جنگ را ادا می‌دهد، از جمله از آژیر نوحه که می‌خواهد از فوران بیشتر اختلاف‌های داخلی جلوگیری کند و

### ایران و خاورمیانه



### در مطبوعات بین المللی

سایروس ونس:

### ابلهانه و اشتباه آمیز

سایروس ونس وزیرخارجه پیشین آمریکا در مقابل کمیسیون مورخا رجه سنای آمریکا اعلام کرد سیاست ساده لوحانه دولت ریگان در قبال جمهوری اسلامی لطمه‌ای بسیار شدید به اعتبار رجه‌نوی آمریکا زده است.

کمیسیون مورخا رجه سنای آمریکا که تحقیقات خود را دربارۀ ما جرای فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی و آثار آن برمناسبات آمریکا با متحدان خود از روز ۱۴ ژانویه آغاز کرده است به عنوان نخستین کارشناس، سایروس ونس وزیر امورخارجه پیشین را برای شهادت فراخواند.

سایروس ونس گفت: فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و تماس با رژیم تهران به منظور آزادی گروهک‌ها عملی ساده - لوحانه و اشتباه آمیز بود و شدت به اعتبار رجه‌نوی آمریکا و منافع ملی ما لطمه زد. وزیرخارجه پیشین آمریکا افزود: آمریکا چنانچه بخواهد نقش درجه اول جهان را خود را حفظ کند نمی‌تواند مناسبات خارجی خود را بطوری غیر حرفه‌ای ادامه دهد. وی اضافه کرد: روش دوگانه آمریکا که خود به جمهوری اسلامی اسلحه می‌فروخت اما از متحدانش میخواست از فروش اسلحه به رژیم تهران خودداری کنند، اعتبار آمریکا را زیر علامت سوال برده است و اثرنا مطلوب آن حد قابل درسا لهی آخر حکومت فعلی باقی خواهد ماند.

خبرگزاری ریها - ۱۵ ژانویه ۸۷

### عراق و ایران گیت

به گزارش خبرگزاری فرانسه زواشنگتن طارق عزیز وزیر امورخارجۀ عراق ایالات متحده را بخاطر فروش اسلحه به ایران سخت مورد انتقاد قرار داد و عمل این کشور را به مثابه عملی غیرآمیوزیدون هرگونه توجیه اخلاقی و سیاسی خواند.

وزیر امورخارجۀ عراق در مصاحبه‌ای که روز چهارشنبه ۱۴ ژانویه با روزنامه وال استرییت جورنال انجام داد افزود که عمل آمریکا در مورد فروش موثک های ضد هوایی و ضدتانک به تهران یک تصمیم عمدی برای خنثی کردن برتری هوایی و نیروهای زرهی عراق بوده است. به گفته وی نیروهای ایران پس از بسته دست آوردن تجهیزات جدید موفقیت بیشتری در جبهه جنگ بدست آورده اند.

طارق عزیز همچنین اظهار داشت که با فروش اسلحه به ایران، این کشور در تصمیم خود برای فتح بصره قاطع تر شده است.

از نظر وزیر امورخارجۀ عراق، با ما جرای "ایران گیت" اعتبار آمریکا در خاور نزدیک از میان رفته است. ونتیجه این امر چیزی جز تضعیف کشورهای منطقه در بزرگترین طلبی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدهای تروریسم و جنبش‌های مذهبی افراطی نخواهد بود.

خبرگزاری ریها - ۱۵ ژانویه ۸۷

### ناوگان محافظ

نمایندگان چندین شرکت کشتیرانی بین المللی روز چهارشنبه ۱۴ ژانویه از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستگار بررسی امکانات ایجاد یک نیروی دریایی در خلیج فارس شدند تا از کشتیهای تجاری که در آنجا "مورد حمله ایران و عراق قرار می‌گیرند، حمایت کنند.

این نمایندگان عیار ژتاد ژنیس دبیر کل اتاق بین المللی کشتیرانی بین المللی و دریای با لیتیک و رئیس انجمن کشتیهای نفتکش مستقل.

پرزودوکلار ضمن اعلام همدردی با افراد قوی، توضیح داد که ایجاد یک نیروی دریایی برای صلح در خلیج فارس تحت رهبری سازمان ملل با یدنا ملل کشورهای عضو برای امنیت و کشورهای با طلب دادن کشتی به این نیرو با شد.

سال ۱۹۸۶ در تاحامی دوران جنگ ایران و عراق برای کشتیهای با ری و تجاری از همیشه سیاه تر بوده است. بیش از حدود صد کشتی در این سال مورد حمله قرار گرفته اند. ز سال ۱۹۸۶ که جنگ خلیج فارس شدت گرفته است نزدیک به ۱۸۰ کشتی مورد مابیت بمب قرار گرفته اند و نزدیک به صد تن دریا نسورد کشته شده اند و خسارات دریایی تا حدود ۶/۵ میلیون تن می رسد.

پس از این ملاقات، دبیرکل اتاق بین المللی کشتی داران اظهار داشت که در پی اقدامات خود برای ایجاد چنین نیرویی با دولتتها تمسکات خواهد گرفت.

در حال حاضر واحدهای دریایی ایالات متحده، اتحاد شوروی، فرانسه و انگلستان در مدخل خلیج فارس مستقر اند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ ژانویه

### امریکا

### ایران و عراق را فریب می دهد

روزنامه نیویورک تایمز، در شماره ۱۲ ژانویه خود به نقل از منابع اطلاعاتی فاش کرده است زمانهای اطلاعاتی آمریکا در سالهای گذشته به منظور جلوگیری از پیروزی عراق و جمهوری اسلامی در جنگ، اطلاعات غلط در اختیار هر دو قرا رمی داده اند.

نیویورک تایمز می افزاید: به عنوان مثال اطلاعاتی که آمریکا در مورد تمرکز نیروهای شوروی پشت مرزهای ایران به جمهوری اسلامی دادا عراق آمیز بود و عکسهای ماهواره‌ای راپس از حذف برخی قسمت ها و اطلاعات مهم آن، در اختیار عراق قرا رمی داد.

به نوشته نیویورک تایمز، مسئولان وزارت امورخارجۀ آمریکا، ماه گذشته تا شید کرده بودند که آمریکا گاه گاه اطلاعات نظامی در اختیار عراق قرار میداد تا جمهوری اسلامی و عراق هیچیک نتوانند در جنگ پیروز شوند.

نیویورک تایمز می افزاید: مسئولان دولت آمریکا همچنین تا به پیدکردنند که عملیات مخفی آمریکا در عراق و ایران، اغلب با هدف های دیپلماتیک وزارت خا رجه آمریکا تضا دیدار می کرد.

به گفته منابع اطلاعاتی عملیات مخفی آمریکا که به طور همزمان انجام می گرفت از این قرا راست:

- به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته است.
- از باره ای از گروهای اپوزیسیون که برای براندازی رژیم خمینی فعالیت می کنند حمایت کرده است.
- اطلاعات قاطعاً قبل از پیدار در مورد نفوذ ما موران شوروی در سازمان نهیای کمونیستی ایران، در اختیار جمهوری اسلامی قرا رده است.
- و اطلاعات نا درست یا تحریف شده در اختیار عراق و جمهوری اسلامی گذاشته است.

دنبال انتشار مقاله نیویورک تایمز، "لاری اسپیکر" سخنگوی کاخ سفید آمریکا، اعلام کرد که: ایالات متحده "در حال حاضر" اطلاعات غلط در اختیار عراق و جمهوری اسلامی قرا رنی دهد، اما حاضر نشد گزارش نیویورک تایمز را مبنی بر این که در گذشته اطلاعات غلط در اختیار دو کشور قرا رمی گرفته است تا شید یا تکذیب کند. لاری اسپیکر سخنگوی کاخ سفید افزود: آمریکا میل است برای جنگ جمهوری اسلامی و عراق راه حلی سریع و مسالمت آمیز پیدا شود.

نیویورک تایمز، از سوی دیگر نوشت: چنین پیدا ست که شوروی، مهم ترین تاع مین کننده جنگ، افزا ربرای عراق، بیش از پیش مصمم به حمایت از عراق شده است.

### هشدار مصر به سوریه

روزنامه الاهرام چاق با هره در شماره ۱۵ ژانویه خود بشدت رژیم سوریه را به علت مخالفت با شرکت مصر در کنفرانس اسلامی، مورد حمله قرار داد و نوشت: مصر بزودی از رژیم حافظ اسد بخاطر حملاتش علیه مصر، حساب خواهد خواست.

در سرمقاله الاهرام آمده است که مصر مدارک پر دست دارد که نشان دهنده تما سهی مخفیانه بین سوریه و اسرائیل و دخالت سوریه در ماجرای فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی است.

الاهرام می نویسد: مصر که تا بحال در مقابل سوریه بردباری قرا وان نشان داده، امکان و قدرت آن را در دهه گذشته اقدامات ابلهانه، سوریه یا سخ مناسب دهد. مصر میتواند در کنفرانس سران اسلامی که قرا راست روزی بهمن در کویت برگزار شود، بارائه مدارکی که در اختیار دارد سوریه را رسوا سازد. به نوشته الاهرام مصر از زمان کنفرانس اسلامی خواسته است دست و چسه خود، با خواست از سوریه را به مدنا سبت نقض همبستگی اسلامی و حقوق بشر در سطح عربی، اسلامی و بین المللی بکنجا ند.

با داری می کنیم که رژیم سوریه بشدت با شرکت مصر در کنفرانس اسلامی مخالفت میکند. مصر پس از امضاء قرا رده دکمپ دیوید با اسرائیل، از زمان کنفرانس اسلامی اخراج گردید.

۱۳۶۴ پس از پرواز آتن به وسیله هوا مل حزب الله و بسته به جمهوری اسلامی رسیده شد و پس از توقف در بیروت و اجزا بردوباره به بیروت بازگشت و سرانجام پس از مذاکرات طولانی دیپلماتیک، مسافران هوا پیما ۱۶ روز بعد آزاد شدند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۵ ژانویه

ملک حسین:

### امریکا

### بی اعتبار شده است

روزنامه لوموند در شماره روز سه شنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷ خود مصاحبه ای با ملک حسین پادشاه اردن منتشر کرده است که ترجمه بخش هایی از آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

ملک حسین در پاسخ به خبرنگار لوموند که از او دربارۀ تحویل اسلحه از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی پرسیده است، می گوید که وی از شنیدن این خبر سخت یکه خورده و متاع سف شده است. چرا که آمریکا تنها همواره متحدان عرب خود را نسبت به عدم مداخله در مساع له جنگ ایران و عراق مطمئن ساخته اند. وی افزود که تصور نمی کند آمریکا بخاطر آزاد سازی گروهگان های خود به این عمل دست زده باشد چرا که دادن اسلحه به کشوری که در حال جنگ است و تا کنون به هیچ پیشهادی برای آغاز مذاکره برای پایان دادن به جنگ واقعی نتها داده است، بهیای گزارا است که به هیچ وجه به انجام این معامله نمی ارزد. تنها نتیجه این کار طولانی تر کردن مدت جنگی است که تا کنون خسارات انسانی فراوان بسیار آورده و سبب بی ثباتی در منطقه شده است.

ملک حسین در مورد اینکه این جنگ تا کی می تواند ادامه یابد تا به پیدکردن یک جنگ سرانجام روزی پایان خواهد یافت. جمهوری اسلامی باید به همدمکتنها راه دستیابی به صلح آنست که برپا یه عدم دخالت در امور کشوردیگر و حفظ مرزها بر اساس ضوابط تاریخی قرا رده شده باشد.

ملک حسین در پاسخ به این سؤال که آیا بنظر او رهبران کنونی ایران زیر بار چنین ضوابطی می روتند یا نه، اظهار داشت: تا وقتی که به آن اسلحه داده می شود مسلماً زیر بار نخواهند رفت. ملک حسین در مورد مساع له لبنان اظهار داشت که بنظر او وضع لبنان نیز همچون جنگ ایران و عراق امری نا پذیرفتنی است و در صورت وجود یک قرا رده دهی در مورد خاور نزدیک مسلماً "یا فتن راه حل برای مساع له لبنان آنست که ترخواهد شد. اما بهرحال باید مقامات لبنان بر سربک میزبشینند و مساع له خود را در آینده مشترکاً حل کنند.

به عقیده ملک حسین اکنون در لبنان اکثر "خارجی ها هستند که به آتش جنگ دامین می زنند. و تا دفا " جنگ ایران و عراق با لبنان را ببطه نزدیک دارد و متاع سفانه جهان مسلمان در معرض خطر تقسیم شدن به دو بخش سنی و شیعه قرار دارد. که فاجعه ای تلخ بنیال خواهد بود. خوشبختانه عراق توانسته است تا کنون در برابر این خطر مقاومت کند.

ملک حسین دربارۀ جریان واپس گرایان مسلمان که در جهان وجود دارد و به نظر خبرنگار لوموند تنها به شیعیان محدود نمی شود، بلکه دامنه آن تا مغرب و حتی فرانسه کشیده شده است اظهار داشت که امیدوار است مسلمانان واقعی بتوانند تعلیمات اسلامی را در همه جههان منتشر سازند اما آنچه اکنون مشا هدهده می شود به خصلت مترقی اسلام متفا وت است. وی افزود که مسلماً "جهان عرب در برابر رشد این جریان خواهد ایستاد.

ملک حسین همچنین اظهار داشت که این موضوع بخش مهمی از مذاکرات کنفرانس اسلامی را که روز ۲۶ ژانویه در کویت برگزار می شود، شامل خواهد شد. لوموند - ۱۳ ژانویه ۸۷





## نابودی سپاه محمد رسول الله

## خزانه‌های ایران

## خمینی در برابر فشار واقعیت‌ها

## از گروه‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران

همه چیز حکایت از آن دارد که تهاجم ناموفق کربلای ۴ که روز چهارشنبه سوم دیماه صورت گرفت در واقع طلیعه همان حمله بزرگی بود که مقامات جمهوری اسلامی آنرا "حمله سرنوشت ساز" نام داده بودند. تهاجم که قرار بود از سه محور و تقریباً "همزمان" آغاز شود و تک بیگان آن متوجه بصره باشد، در همان محور اول از هم پاشید. تمامی نیروهای بسیجی که از همین محور، حمله‌ی شبانه خود را از رود کارون بسپاه آنسوی دجله و تا جزیره ام‌المراس آغاز کرده بودند، بی آنکه دو محور دیگر مطابق طرح جنگی به آنها پیوسته باشند، در ام‌المراس به دام افتادند و گفته می‌شود از این نیروی عظیم و بی شمار حتی یک تن زنده بازنگشته است. تعداد این نیروها یک سوم از سپاه یکصد هزار نفری محمد رسول الله برآورد می‌کنند.

از یک هفته پیش از تهاجم به بیمارستان‌های پایتخت آمده باش داده بودند. بیمارستان‌ها طبق دستور کتبی سپاه پاسداران موظف بودند که از پذیرش بیماران خودداری و زنده‌آدمه باشند تا بتوانند در صورت لزوم بیشترین ظرفیت تخت بیمارستانی را در اختیار مجروحین جنگی قرار دهند. اگرچه طی دو ماه گذشته دست کم چهار بیمار به بیمارستان‌ها آمده باش داده شد، اما نشانه‌های بسیاری حکایت از آن میکرد که تهاجم جدیدی تدارک شده است و آمده باش این بار بسیار جدی است. از روزیکشنبه سه روز پیش از آنکه تهاجم آغاز شود، کمتر کسی در مقر سپاه پاسداران تردید داشت که تهاجم این بار حتمی است. در همین روز یک نیروی امداد بهداشتی همراه خیل عظیمی از تکنیسین‌های پزشکی و دارو و آمبولانس بسوی جبهه جنوب گسیل شد. در حالیکه عراقی‌ها با هواپیما قلمرو فضا بی‌ایران را آزادانه درمی‌نوردیدند و در خیابان‌های کرمانشاه مردم بی دفاع را از فاصلای کم به رنگبار می‌بستند و جمهوری اسلامی برغم شتمل خوانیهای خود قادر به جلوگیری از آنها نبود، و در حالیکه کنگرانس همیاری مردم عراق در تهران گشایش یافته بود در آن تمام مخالفین رژیم صدام گردآمده بودند و خمینی قصد داشت تا در چنین موقعیتی با اصطلاح "شیرین بکار" کمتر کسی در سپاه پاسداران تردید داشت که این تهاجم، عاقبت همان تهاجم موعود "سرنوشت ساز" نیست. اما اکنون که نتیجه حمله یک شکست فاحش بوده است، در سپاه زمزمه در گرفته است که حمله آنها "لو" رفته و دشمن از تهاجم آنها با خبر بوده است. گفته می‌شود هیچ فرمانده سپاه حاضر نیست مسئولیت شکست را به گردن بگیرد.

نیرویی که قرار بود خود را به جزیره ام‌المراس برساند، می‌بایست از نقطه‌های عمیقی در رودخانه کارون

بگذرد و خود را به آنسوی رود برساند. پس از آن قرار بود این نیروها زنجیره‌ای بگذرد و در خاک عراق مستقر شود. و نیوی... روی آمده دیگر از یکی از مردابهای خونین شلمچه و دیگری از آبادان به این نیرو پیوستند. نیرویی که از آبادان حمله‌اش آغاز می‌شد، در میان قرار داشت و تک بیگان این تهاجم بزرگ را تشکیل میداد. این تهاجم در چند مرحله و برای مدت چند هفته طراحی شده بود و در ابتدا میبایست جاده‌ی بصره قطع شود و سپس هدف غایی، یعنی تصرف بصره، مورد توجه تمامی نیروهای مهاجم قرار گیرد. در عین حال برای آنکه از فشار و نیروهای عراقی به مهاجمان ایرانی کاسته شود در طرح بود که حمله‌ها بی‌نیاز از بخشهای شمالی صورت گیرد.

نیروی اولیه از طریق قایق‌ها خود را به جزیره ام‌المراس رساند و بیهوده ساعت‌ها در انتظار تهاجم کمکی دو محور دیگر باقیماند. نه از شلمچه و نه از آبادان هیچ محورتا زهی گشوده نشد. اکنون که چند هفته از این تهاجم ناموفق گذشته هنوز هم فرماندهان سطح بالای سپاه قادر نیستند به این سؤال اقرار کرده‌های پایین جواب دهند که چرا دو محور دیگر ترجیح دادند تهاجم خود را متوقف سازند. زمزمه‌هایی که در میان سپاه وجود دارد حکایت از آن دارد که هم ایرانی‌ها منتظر چنین آمده‌گی در خطوط دفاعی عراقی‌ها نبودند و هم قدرت آتش زمینی و هوایی دشمن را دست‌پایین گرفته بودند. این قدرت آتش چنان شدید بود که نیروهای دو محور دیگر در واقع از حمله پیشمان شدند. مجروحان بمسب شیمیایی که اکنون در بیمارستان‌های تهران و در بخش‌های خاص بستری‌اند و تعداد عمده‌ی از آنها نیز در استادیوم بزرگ آریا مهر مستقر هستند از تقاضای کمک فرمانده نیروهای که خود را به جزیره ام‌المراس رسانده بودند سخن نمی‌گویند. قایق‌هایی که این نیروها را به آن سوی رودخانه رسانده بود، دیگر قادر نبودند آنها را بازگردانند. فرمانده نیرو که یک سپاهی بود هنگامی دریا فست تهاجم محورهای دیگر لغو شده که کار از کار گذشته بود. هنگامی که فرمانده این نیروهای زمین گیر در جزیره تقاضای کمک کرد، جواب به او مستقیم، کوتاه و قاطع بود: "حمله لغو شده، راه برگشتی نیست. سعی کنید پیش از اینکه شهید شوید عراقی‌های بیشتری را بسه درک بفرستید."

ام‌المراس مدت کوتاهی در دست این نیروی ماء یوس افتاد. ولی قتل عام عراقی‌ها از این نیرو چندان طولانی نبود. اساساً "تهاجم کربلای ۴" چندان طول نکشید. پاسخ‌های روشنی در دست

نشده در صحت ۸

نتیجه مصیبت با آخرین تهاجم که کربلای ۴ نامگذاری شده بود، بیش از همه حملات موفق و ناموفق پیشین خطیرو گسترده بود. در واقع شکست ناشی از این تهاجم مسائلی را به بار آورده که تا شورش در تصمیمات آتی رژیم خود را نشان خواهد داد. از آنجا که این حمله طلیعه حمله بزرگ و به اصطلاح مسئولان رژیم "سرنوشت ساز" بود رژیم قصد داشت از آن بهره برداری سیاسی مختلفی بکند، اکنون باید با عواقب سیاسی آن کنار بیاید. بی تردید نتیجه‌ی این تهاجم نام کام، تحولی قابل انتظار را در طرز تلقی رژیم آخوندی از نقش سلاحهای مدرن در جنگ پیش خواهد آورد.

تهاجم کربلای ۴ درست در روزی آغاز شد که کنگرانس همیاری ملت عراق، با شرکت عناصری از مخالفان رژیم مستقر در عراق، در تهران، افتتاح شد. به نظر میرسد هدف آن بود تا نتایج این تهاجم، که رژیم میدوایر بود در قدم اول با فتح جزیره ام‌المراس همراه باشد، کنگرانس را شدیداً "تحت تا" شتر قرار دهد. در عین حال، ادا مه تهاجم که طبق طرح میبایست از سه محور صورت گیرد و هفته‌ها بطول انجامد، قرار بود کنگرانس را عملاً با حرکت جدی و مصممانه جمهوری اسلامی برای تصرف بصره و براندازی صدام حسین روبرو سازد و پشتوانه‌ی مشخصی برای تصمیمات کنگرانس و قطعنامه‌ها نهایی آن باشد. رژیم میدوایر بود نتایج موفقیت آمیز و خیره کننده جنگ، اختلافات میان گروه‌های مخالف صدام را بر طرف سازد و همه آنها را با دورنمای یک رژیم مورد پسند جمهوری اسلامی موافق سازد. در عمل البته خواستهای مسئولان جمهوری اسلامی غیر از این تعبیر شد، تهاجمی که مقدمه حمله بزرگ و سرنوشت ساز میبایست باشد، در همان قدم اول وساعات اول با شکستی فاحش از نفس افتاد. در عین حال رژیم قصد داشت با این تهاجم هدف دیگری را هم نشان دهد. کنگرانس سران اسلامی که قرار است در کویت برگزاد شود، میبایست با این حرکت تبلیغاتی ایران کوتاه بیاید و به نیات و مقاصد ایران گردن بندد. از آنجا که شکست سپاه پاسداران و بسیجی‌ها در جزیره ام‌المراس بسیار جدی بود و نتیجه دلخواه جمهوری اسلامی را به بار نیاورد، مسئولان تصمیم گرفتند که ورق را برگردانند و اساساً "در کار تشکیل این کنگرانس در کویت اخلاص کنند. با آنکه تا پیش از شکست تهاجم مسئولان چیزی که حاکی از مخالفتشان با تشکیل چنین کنگرانسی در کویت باشد برآز نکرده بودند، حمایت کویت از عراق را بهانه قرار دادند و آنجا را مکان امنی برای تشکیل کنگرانس سران به حساب نیاوردند. در واقع تلویحاً "به رئیس کنگرانس، آقای بیرزاده، بسا دور

شدند که کنگرانس سران در کویت در تیررس حملات انتقامجویانه آنان قرار خواهد داشت.

در زمینه اصلی، یعنی جنگ نیز تحولات فاحشی را با یس از این تهاجم ناموفق منتظر بود. رژیم که سخت بیمناک از بالا گرفتن تملیلات ضد جنگ در میان مردم و بروز علنی این تملیلات است، برده‌پوشی در زمینه جنگ را بسا شدت زیاده‌رعات می‌کند. در بصره حملات گذشته خطی خاص از فرودگاه تا شهر اختصاص به حمل مجروحان و جسد داشت، اکنون با پنهانکاری کوشش می‌شود که حمل اجساد پنهان و کاملاً دور از نظر صورت گیرد. حتی در میان سپاه و ارتش نشانه‌هایی از بروز اعتراض دیده می‌شود. انجنا رمه‌پوشی که روزشنبه ششم دیماه، در پادگان در سلطنت آباد صورت گرفت و انبار مهمات سپاه را بکلی منهدم کرد و گفته می‌شود که بیش از ۳۰۰ نفر تلفات داشت اکنون معلوم شده که تصادفی نبوده است. آتش سوزی مهیبی که متعاقب آن در پادگان عشرت آباد رخ داد حکایت از آن دارد که دست‌های درکار بوده تا اعتراض و مخالفت ارتش و سپاه را با ادا مه جنگ گوشزد کنند.

شایع است که هاشمی رفسنجانی کوشیده بوده با امریکا شیفا نزدیک شود تا برای ارتش سلاح بتواند فراهم کند. گرچه هاشمی رفسنجانی امیدوار بود با این کار بتواند محبوبیت و نفوذش را در ارتش بالا ببرد، اکنون آخوندها بسه این نتیجه رسیده اند که حملات "اصواج انسانی" در برابر آتش کوبنده و موءشر عراقی‌ها که مجهز و مسلح به اسلحه مدرن هستند کار ساز نیست. از اینها گذشته افزایش تلفات ایرانی‌ها و بی نتیجه بودن حملات، بی‌بازاری و مخالفت با جنگ را تا دورترین نقاط کشور را زده است. حتی شایع است که در دور جدید مذاکرات ایرانی‌ها و امریکائی‌ها در لاهه یکی از درخواسته‌های جدی ایران نپناه دریا فست اسلحه در قبال آزادی گروهک‌های امریکائی در لبنان بوده است. کسی پنهان نمی‌کنند که احتمالاً یکی از دلایل بی نتیجه بودن این مذاکرات را با بدد عدم موفقیت تهاجم کربلای ۴ جستجو کرد. احتمالاً امریکائی‌ها میدوایرند که نیا از ایران به اسلحه‌ها زمین‌های برای بازگرداندن "عقل" در کله‌های مسئولان جمهوری اسلامی قرار دهند.

بهر حال، همچنانکه در عرصه سیاسی اکنون دوی نیروی مخالف در برابر هم جناح بندی کرده‌اند، در مسئله جنگ نیز دو جناح مخالف در برابر هم صف‌آرا شده‌اند: نیرویی که معتقد به تکاء هر چه بیشتر به نقش نیروی انسانی است و فراموش کردن اسلحه را در بار زارهای سپاه می‌داند، و نیرویی که معتقد است با تعدیل در سیاست و پذیرفتن بعضی از تعهدات بقیه در صفحه ۱۱

# نامه‌ها و نظرها



حاج تمام ناقصتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی با آن مرکز نیست. مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با ما در مشورت نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اعضای و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عقبت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

## استخاره برای استخدام

یکی از تحصیلکرده‌های رشته کشتاورزی در دانشگاه‌های اروپا می‌باشد که قریب تبلیغات گمراه‌کننده رژیم را خورده و برای خدمت راهی ایران شده و پس از زودتی سرگردانی و تحمل مشکلات در کشور دوبا ره بغرب باز گشته است می‌گفت: چند ماه قبل در هتلی در یکی از کشورهای اروپا می‌بیدار فرستادگان رژیم که برای جلب افراد تحصیلکرده ایرانی راهی این دیار شده بودند رفتم. چرب زبانی و تملق آنان آنقدر گریخ و گمراهی ساخت که بدون هیچگونه مشورت با دوستان یا رفیربستم و با تسهیلاتی که در اختیارم گذاشته شده بود بدون دردسرها و رذکسور شدم. ابتدا از دیدن اوضاع اسفناک و ویران شده کشورم سخت یکه خوردم و تمام آرزوها و خاطراتی که برای خود ساختم و برداشته بودم نقش بر آب شد. از اینکه پدرم را در خواب و خوابش و ندانم با چه مشقت و در واقع مسکنتی زندگی را می‌گذرانم و در آخرت منم نقش بخودم لدا ری میدادم که پس از اشتغال بکار می‌توانم کمکی برای دیگران باشم. دوروز بعد با توصیه‌نامه‌ای که از گروه اعزامی دریا فید کرده و سفارت جمهوری اسلامی نیز تا فیدیه‌ای بر آن اضافه کرده بود به وزارت کشتاورزی مراجعه کردم. چندین روز طول کشید که اولیا و وزارتخانه تا زه فهمیدند که چه خواسته‌ام و با پسند به کدام اداره مربوطه مراجعه نمائیم، عاقبت مرا با سازمان حفظ نباتات حواله دادند که در حقیقت ما چرا از همین اداره آغاز شد.

تصورم این بود بر مبنای آنچه که آخوندها در گفتار و خطبه‌های روزهای جمعه از گرامی‌ها می‌شنیدم که در حقیقت ما چرا از همین اداره آغاز شد. تصورم این بود بر مبنای آنچه که آخوندها در گفتار و خطبه‌های روزهای جمعه از گرامی‌ها می‌شنیدم که در حقیقت ما چرا از همین اداره آغاز شد.

تصورم این بود بر مبنای آنچه که آخوندها در گفتار و خطبه‌های روزهای جمعه از گرامی‌ها می‌شنیدم که در حقیقت ما چرا از همین اداره آغاز شد.

تصورم این بود بر مبنای آنچه که آخوندها در گفتار و خطبه‌های روزهای جمعه از گرامی‌ها می‌شنیدم که در حقیقت ما چرا از همین اداره آغاز شد.

بک استخاره چندین هفته سرگردان باقی ماندیم و با راه‌ها بسا راه مراجعه کردم. عاقبت همان شخصیت اول اداره مرا احضار کرد و بدون هیچ شرم و حیائتی گفت: "استخاره بد آمده است و ما کاری از دستمان ساخته نیست."

پا ریس - شهبا زمیر حسینی

## درس خطیر

فکر من این است که ایرانیان مخالف رژیم استبداد دینی با دیدن خطیری آموخته باشند. درسی که به آن نیاز داشته ایم و حال روزگار و گردش ایام این درس را به سختی و تلخی تمام معرفی کرده است.

ما برای ارسال اسلحه از سوی کاخ سفید به جمهوری اسلامی و غنچ ودلالی که رئیس-جمهوری آمریکا برای جلب محبت خمینی به گار زده است، درس بزرگی است که باید بسیاری از خوش خیالان را بیدار ر کرده باشد. از روزی که ریگان به قدرت رسیده است، ایرانیان آوارده دل خوش کرده بودند که این یکی آن یکی نیست، مقتدر و تسلیمنا پذیر است و از آخوندها تفکیک هم بیزار است.

این امیدوارها خودم مهلک در راه مبارزه‌ای ملی است که هدف برانداختن حکومتی فسادناستنی دارد، زیرا وقتی در امر خطیری که آینده وطن به آن وابسته است دل به اجنبی ببندیم، بیدار است که مرد خطر نیستیم و بهانه جویی می‌کنیم تا از وظایف ملی تن بزنیم. امروز، دلیل و حجت بر ما تمام شده است که هیچ دولت خارجی تیمار خوارمسا و مصالح ملی ما نیست. جنگ شش ساله ایران و عراق خود به تنهایی حقایق را برای ایرانیان روشن کرده است. دیدیم که چگونه دلان اسلحه و دولت‌ها دست در دست هم برای فروش تجهیزات جنگی همه موانع قانونی و عرفی را زیر پا می‌گذاشتند.

روابط بین‌المللی ریگان با جمهوری اسلامی که در حدود دو سال پیش آغاز شده است. نکته‌ای مبهم بر این امر است که ریگان به حال زندانیان ایرانی دل سوزانده و برای بیانشان ناله سر داده و حکومت خمینی را بر سر ووشی نامیده و آنرا در لیست سیاه دولتی‌های تروریست جای داده، بازی می‌گردوشده در کنار می‌آورد. اینک اگر با زهم ایرانیان باشد که منتظر "فرصت مناسب بین المللی" نشسته و با چشمه سوی "میز ایران" در وزارت امور خارجه کشورهای بسزرگ دوخته‌ها شنیده‌ها یاد نگشتن نمیدید گزید

## نابودی سپاه محمد رسول الله

نیرو، تنها نیرویی از این سه محور است که دست نخورده باقی مانده است. بهرحال، با آنکه نیرویی که خود را به جزیره‌ها و مراص رسانده بود، کاملاً منهدم شده بود، هنوز جنگ یکسره پایا ن نیافته بود. اکنون با اعتراف مجروحان بمبب شیمیایی این نکته را میدانیم که کل این تهاجم تنها ۱۲ ساعت بطول انجامیده است. بخش زیادی از این فرصت صرف کوبیدن محور آبادان شد. این نیرو را که قرار بود تک پیکان حمله باشد، عراقی‌ها با بمباران‌های هوایی و بمب‌های شیمیایی از پای در آوردند. کل این نیرو که تقریباً ۹۵ درصد آنها صدمه دیده‌اند، ۱۳ تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده می‌شود. اکنون ده‌ها رنفر از آنها در سالن‌های سربو شده‌ای استادیوم آریا مهر که به همین منظور آماده شده است بستری هستند. کسانی را که از گاز

و هیبتا کنان برآینده وطن دل سوزاند ما ایرانیان اگر خود را تحمل دشواریها، سختی‌ها و بذل جان و مال، در صغی واحد برنخیزیم و دست به دست بیکدیگر ندهیم این وطن بلا دیده هر روز موضوع معالمت تا زهای فراخوار هدرگرفت و در دودریخ که استقلال و تمامیت آن نیز به خطر خواهد افتاد. از نویسندگان نشریه وزین قیام ایران، انتظار عاجل داریم که بیمناسبت "ایران گیت" در این مقوله‌ها سخن بدهند که در موقعی باریک و لغزان افتاده ایم و خطرا زهرسو، خاک پدرانمان را تهدید می‌کند.

با احترامات  
دانا مارک - رضا سخاوند

## کشتارگاه جماران

در آخرین روزهای سال ۸۶ یکبار دیگر تما ویردهشتناکی از جنگ فاجعه آفرین جمهوری اسلامی و عراق، منحه تلویزیون‌های جهان را به خود اختصاص داد. دوپسار از کشته‌پشته‌ها خنده‌ناک. دوبا ره جنازه‌های بی سر، دوبا ره جسد‌های هزارتکه، دوبا ره فوران خون. دوبا ره سفره‌های مین و خمپاره، دوبا ره سینه‌های دریده، شکم‌های ترکیده... دوبا ره بازی تیربیک و تسلیمت. دوبا ره همان خامنه‌یی مثلاً رئیس جمهوری که عملیات کربلای چهار وعده سرخرمن می‌دهد که: "عملیات وسیع و سرنوشت ساز در زمان مناسب صورت خواهد گرفت" مردم جان به لب رسیده، وطن انما می‌پرسند که: "برای رسیدن به آن زمان مناسب، چند صدها رکتشسته دیگر با پدیده کشتارگاه جماران سپرد؟"

مریم - فای ایتالیا

## دو پیام

آقای ن. ا. ب. خواننده گرامی قیام ایران و مترجم مقاله "نردوشطرنج"؛ خواهشمند است نشانی خود را بسرای ما بفرستید. آقای دکتر محبوب مطالب لازمی دارند که با پدیداری شما بفرستند تا در ترجمه خود مورد استفاده قرار دهید.

هموطن گرامی آقای ناصری - آلمان

در پاسخ نامه مورخه سی ام دسامبر ۱۹۸۶ شما با اطلاعنا میسر استیم که متأسفانه برای ما تهیه‌شده‌های کسری قیام ایران مورد درخواستتان میسر نیست.

ببینند. اکنون در سپاه‌ها له حیثیت مطرح شده، و جنگ با عراقی‌ها در مرحله دوم قرار گرفته است. برای کسب حیثیت بر با در فته سپاه‌ها گزیرا است که حمله‌ای دیگری را هر چه زودتر تدارک ببینند. رژیم برای برده‌بوشی این شکست فاحش به همه کاری دست زده. از جمله اجساد که در اینسوی رودخانه‌ها مانده‌اند اکنون شبانه و وسیله‌ها تکرها و کامیون‌ها بی سروصدا به تهران حمل می‌شوند. گرچه هیچگونه سهمی را نمیتوان به دست آورد که تعیین کننده تعداد تلفات حمله‌ها خیر باشد، اما گفته می‌شود که فاجعه‌ها تحه‌سپاهیان محمد رسول الله خوانده شده‌است. تخمین‌ها تعداد تلفات را بین سی تا سی و پنجهزار نفر برآورد می‌سازد، اما با احتساب کسانی که از طریق بمب شیمیایی زخمی شده‌اند و مجروحان دیگر این حمله، عملاً رژیم ناگزیر است در فکر جمع‌آوری سپاه دوم محمد رسول الله باشد.





فواد روحانی



# مصداق ونهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

## دادگاشی که از متهم قهرمان می سازد

امریکائی های سختگیری ماندهری ترومن و دیوین اچیسن دایربرای اینکه مصداق با وجود همه نقائص زما مداری بود که می توانست به غرب کمک کند و بر جریان وقایع در ایران مسلط شود احتمالاً درست بود. خدمت شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلیس (که هم نتیجه ضعف اقتصادی بود و هم از حساس عجزسارت انگلیس در روبرو شدن با یک نخست وزیر ایرانی که نمی توانست در آن وقت و نفوذ کند تا می شد) باعث سو قضاوتی شد که هم برای ایرانیان و هم برای انگلیسی ها نتایج وخیمی در برداشت (۴)

ضمین کتاب در جای دیگری گوید انگلستان کسسه معمولاً در مستعمراتش ماندهند و بر همه وسایل و نیجریه توجه به نیا زمینیهایی مردم داشت در ایران که هر چند جزء مستعمرات نبود و قانونی می توانست در آن اعمال نفوذ کند و در دیگر عمل کرد. یعنی تصمیم گرفت مصداق را که نخست وزیر اصیل، فسادنا پذیر و علاقه مند به دموکراسی لیبرال بود و رهبری یک نهضت ملی را بر عهده داشت براندازد و طی سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ (۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲) طوری عمل کرد که گوئی از نیروی امپریالیستی لنینیستی در ایران سرخ می گرفت (۵) یکی دیگر از خصوصیات حکومت ملی که با سقوط دکتر مصداق از میان رفت ایدئولوژی سیاسی آن حکومت یعنی اتکاء به ناسیونالیسم همراه با دموکراسی

لیبرال بود. دکتر مصداق و پیروانش عقیده داشتند که نیل به هدف های حکومت ملی یعنی ریشه کن کردن همه گونه نفوذ خارجی، دفع استبداد داخلی یا پیروی از اصول مشروطیت و قانون اساسی و بیرون آوردن صنعت نفت از دست شرکت های خارجی و سپردن آن به دست ایرانی فقط با استقرار یک چنین ناسیونالیسم امکان پذیر خواهد بود. ترازنامه حکومت ملی نشان می دهد که آن حکومت ناسیونالیسم را به همان معنی اساسی رونق داد و به کمک آن ایدئولوژی تا آنجا که می توانست برای رسیدن به هر سه هدف بالا کوشید اما با سقوط مصداق تعقیب دومین هدف اول از طرف دولت های بعدی متوقف شد و هدف سوم نیز به شرحی که گفته شد دچار قلب ما هیئت گردید. دولتها می که جای حکومت ملی را گرفتند عرصه را برای فعالیت ناسیونالیستی تنگ کردند و جبهه ملی و حزب ایران را تحت فشار روهه گونه تضعیقات قرار دادند اما وابستگی نهضت ملی همچنان در وفا داری به دکتر مصداق که در حال تبعید در احمدآباد بسر می برد باقی ماندند و در نظر فرصت مناسب نشستند تا نظرات آن زمان را با سیاست پیش بینی می کردند که چنین فرصت دست خواهد داد چون عقیده داشتند که طرز حکومت شاه بعد از مصداق و کنشی بین طبقات تا آنکه دولت را از دیخواه ایجاد خواهد کرد که ممکن است منجر به بازگشت حکومت ملی شود. بعضی حتی چنین اظهار نظری کردند که جریان محاکمه دکتر مصداق خود چنین واکنشی بوجود خواهد آورد. ریچارد کاتن در کتاب "ناسیونالیسم در ایران" در باره "طرز رفتار حکومت زاهدی با دکتر مصداق چنین می گوید:

"حکومت زاهدی طوری عمل کرد که گوئی عمداً می خواست برای آن مرد بزرگ سال خورده وسیله ای فراهم کند که صحنه سیاست ایران را بطرز چشم گیری ترک کند. در واقع آن حکومت تریبون به مصداق داد که از لای آن بتواند اظهارات خود را علیه کسانی که او را برانداخته بودند بیان کند. او از این فرصت چنانکه با ید استفاده کرد و یکی از مؤثرترین نمایش های زندگی سیاسی خود را روی برده آورد تا آنجا که در حکومت زاهدی محیط اختناق به مراتب بیش از آن بود که حتی در تاریک ترین روزهای حکومت مصداق وجود داشت. هرگونه نتیجه گیری در باره نظریات مردم ایران نسبت به جریان محاکمه مصداق سطحی خواهد بود. اما نظر نگارنده اینست که مصداق در پایان محاکمه اش قسمت اعظم پشتیبانی ملی را که قبلاً از دست داده بود دوباره به دست آورد. وقتی در دوران مصداق را به سه سال حبس مجرد محکوم کردند آن رهبر ملی سالخورده مقام شهیدسیاسی پیدا کرد و صدور رای محکومیت او باعث شده که زاهدی و شاه دیگر هیچگاه نتوانند موفقیت زیاد دی در جلب پشتیبانی ملی گرایان بدست آورند. (۶)

دکتر مصداق بعد از تقریباً سه سال از زندان آزاد شد ولی اجازت نداشت از محوطه ده ملکی خود احمدآباد که به آنجا منتقل شده بود خارج شود که بعد از رفتنش به آن ده دولت برای آنکه امکان هرگونه تجدید فعالیت

بس از سقوط حکومت مصداق بحثی درباره خصوصیات و تحولات آثار آن دوره زاریخ ایران در محافل موافق و مخالف آغاز شده هنوز اما مدام رد و قضاوت نهائی درباره آن فقط وقتی امکان پذیر خواهد بود که همه تعصبات له و علیه فرو نشیند و جای خود را به واقع بینی صصیرت و بیطرفانه بدهد. اما آنچه تا کنون در اطراف موضوع چپ به صورت شرح و قیاس، چه به شیوه انتقاد و چه به نظر به قلم موافق و مخالف جاری شده و آنچه در آینده نیز بخصوص از طرف کسانی که در این ماجرا شخشا دخیل بوده اند و آنها می هم که اشتباهاتی به آن زمان نسبت می دهند نوشته شود مسلماً در تهیه زمینه قضاوت نهائی موثر و سودمند واقع خواهد شد.

بدیهی است که بزرگترین اقدام دکتر مصداق ملی کردن صنعت نفت بوده است. در واقع اهمیت این اقدام به اندازه ای مورد تصدیق عموم بوده و هست که بعضی رجال سیاسی حتی شخص محمدرضا شاه سعی کرده اند بتکار آنرا بخود نسبت دهند اما یک نکته مسلم دیگر همانست که صف آرایی و کوشش های مخالفان داخلی و خارجی مصداق به او اجازت داد که اقدام خود را به نتیجه برساند و بعد از سقوط او و معامله نفت ایران با شرکت های خارجی در حقیقت به صورت امتیازی برگشت ولی نهالی که مصداق نیاده بود به حکم جبر تا ریخ و بر اثر تحولات بین المللی و سبب تاء سبب سا زمان او یک به تدریج پرورش یافت و بیست سال بعد به ثمر رسید. اما دکتر مصداق در زمان حیات خود هیچ نشانه ای از پیشرفت به سمت مقصد مشاهده ننمود بلکه برعکس قرار داد دکنسرسیوم که سه سال قبل از درگذشت او به امضاء رسیده و را یکبار به امضاء یوس کرد و در کتاب خاطراتش چنین می گوید:

"بطور خلاصه قرار داد دکنسرسیوم یک خیانت تین وفا حثی بود که نسبت به ملت ایران صورت گرفت و تا ملت خود از معادن نفت بهره برداری نکند به آزادی و استقلال نخواهد رسید. (۱)

دکتر مصداق به یک اقدام بزرگ دیگر هم دست زد و ملی در آن مورد هم در نتیجه همان فدیتهائی که مانع ملت شدن نفت به معنی واقعی گردید توفیق نیافت. منظور او در اجبار شاه به رعایت قانون اساسی و اکتفا به سلطنت بدون مداخله در حکومت است. شرح این موضوع ضمن گزارش واقعه تیرماه ۱۳۳۱ و نیز موجهات مبارزت دکتر مصداق به فرماندم مراداد ۱۳۳۲ (جلوگویی سرب و کلای مخالف دولت از تصویب گزارش هیئت هشت نفری گفته شده است و احتیاجی به تکرار آن نیست) و اکتس منفی شاه در برابر کوشش مصداق برای محدود نمودن اختیارات او و روش او بخصوص بعد از برگشت از سفر بغداد و هم که بیشتر مبتنی بر حکومت مطلق بود که موعی به ایجاد وضعی بود که همرا با علل دیگر به وقایع سال ۱۳۵۷ انجامید. اگر شاه به لزوم رعایت رژیم مشروطیت سلطنتی بر طبق مقررات قانون اساسی تسلیم شده بود و زمامداری امور کشور را به دست حکومت می سپرد و حکومت ملی را تقویت می کرد غلبه رژیم دموکراسی لیبرال و حاکمیت قانون و تأمین آزادی ها و حقوق فردی و جمعی از بزور زاری های عمومی جلوگیری می کرد و فتنه جویان که از مدتی پیش از آن زمان به پیش بینی های زیرگانه مشغول زمینه سازی برای ایجاد آشوب و تدارک و سبیل آن بودند و از همسانان نارضایتی ها تغذیه می شدند فرصت پیشبرد مقاصدشان را بدست نمی آوردند و نمی توانستند جمعیت های را به خیابان بکشانند تا نمانند و نتوانستند فریاد جمهوری اسلامی می خواهم" برآورند. همچنین اگر شاه در توصیه خردمندانه ای که دو ماه قبل از کودتا به سفیر امریکا (مبنی بر کناره آمدن با دکتر مصداق) نمود یا فشار کرده و به امر او در تغییر دولت تسلیم نشده بود دولت انگلیس و امریکا نمی توانستند نقشه کودتا را اجرا کنند و آن واقعه که با لامل نه تنها ایران را به وضعیت کنونی سوق داد بلکه موجب ناآرامی همه منطقه و انعکاس نا مطلوب آن در غرب گردید رخ نمی داد.

اینک در تا شید آنچه در بالا گفته شد اغافه می کنیم که وودها و س (۲) مورتهیه نقشه کودتا و جلب موافقت دولت امریکا با آن (نیز چنین اظهار نظر کرده است که کودتا ای ۲۸ مرداد منجر به وقایع شده که در سال ۱۳۵۷ در ایران رخ داد. وی پس از شرح چگونگی اجرای کودتا به وسیله عمال دودولت انگلیس و امریکا چنین می نویسد:

"اکنون سئوالی پیش می آید که جوا بگوئی به آن مشکل است و آن اینست: اگر ما می دانستیم که ۲۵ سال بعد چه خواهد شد آیا با زهم همین کار را می کردیم؟ جواب اینست که احتمالاً می کردیم اما در آن صورت می توانستیم از عواقب آن پیش گیری کنیم. به آسانی می توان تشخیص داد که نقشه عملیات چکه" اولین قدم سهوی بلائی بود که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) برای ایران نازل شد. اما چیزی که ما در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) پیش بینی می کردیم غیر از چیزی بود که در سال ۱۳۵۷ در ایران رخ داد... آنچه ما پیش بینی نکردیم این بود که شاه قدرت تا زهدی بدست خواهد داد و او از آن به سه طرز بلهوسا نهوجا برانداخته خواهد کرد. این را هم پیش بینی نکردیم که دولت امریکا و وزارت امور خارجه انگلیس آنقدر عاجز و ناتوان خواهند بود که نخواهند توانست او را در یک خط سیر معقول نگاه دارند. در آن زمان ما فقط احساس آسودگی خاطر می کردیم از اینکه خطری که منافع انگلیس را تهدید می کرد بر طرف شده بود. ایدن خیر سقوط مصداق را وقتی شنید که دوره نقا هت را روی یک کشتی در دریای یونان می گذرانند وی در خاطراتش می نویسد: شبی که این خبر را شنیدم خواب راحتی کردم. (۳)

کتاب پایان امیرا توری همین نظر را با لحن مطمئن تری به شرح زیر بیان می کند:

"انگلیس با عمل خود در برنا به ریزی برانداختن مصداق و برگرداندن شاه مستبد کمک به آزاد شدن نیروهای کودتا در واسط دهه ۱۹۸۰ معلوم شد مملکت را مدها سال به عقب برمی گرداند. قضاوت

را از اسلوب کند تدبیری اندیشید. به این وصف که جمعی مردم در حوالی احمدآباد به تظاهرات پرداختند و با شعار "مرگ بر مصداق خائن" خواستار اعدامش شدند. دکتر مصداق به وسیله تلفن از شهر با نی تقاضای حفاظت نمود و شهر با نی بی درنگ نیروهای استحقاقی در اطراف ده گماشت و این ترتیبات که به خاطر حفظ جان دکتر مصداق "برقرار شد همچنان اما مهیا فت تا او درگذشت. به این ترتیب حبس سه ساله دکتر مصداق عملاً تبدیل به حبس ابد شد. هوا خواهان نهضت ملی هم بطوری که گفته شد سخت تحت فشار قرار گرفتند و معنسی این وضع جز این نبود که موضوع برگشت ناسیونالیسم

لیبرال در حقیقت منتفی است. ناسیونالیست ها با مشاهده طرز عمل حکومت زاهدی و تجدید نفوذ اصطلاح "هزار خا نواده ای" پیش بینی می کردند که دولت های امپریالیستی با زبرای پیشبرد مقاصدشان با آن قسمت از جامعه همکاری خواهند کرد که هیچگونه توجه به منافع و مصالح ملی از آنها نمی توان انتظار داشت. بنا بر این آنها اما دگی هیچگونه سازش با حکومت های بعدی یا اجازت رضایت ضمنی از آنها نداشتند و ایدئولوژی ناسیونالیسم لیبرال دیگر هیچگاه در رژیم حکومت ایران جلوه نکرد.

دکتر مصداق بعد از سقوط حکومت مدت سیزده سال و نیم در قید حیات ولی از آزادی محروم بود. در آن مسدت او هما نظور که نشانه ای از تعقیب هدف ملی کردن نفت به معنی واقعی ندیدیم. همان نظور اثری هم زگرایش حکومت به تسبیح حقیقی از قانون اساسی مشاهده نکردیم. زیرا ناسیونالیسم نیز ما نیز ما شد. او در حالت انزوا و از راه دور نظیر جریان رویدادها بود. اینک ما وقایع دوره بین سقوط حکومت و پایان عمر او (۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۴ اسفند ۱۳۴۵) را فهرست وار ذکر می کنیم:

۱ - شاه بعد از دکتر مصداق حکومت را به دست توتالیترسوق داد و موقعیت خود را با اتکاء به نیروهای امنیتی و بالآخره (در سال ۱۳۳۶) با تاء سبب سا واک تقویت کرد. در این وضع وابستگی نهضت ملی اجباراً نقابلیت خود را به شکل نیمه زیرزمینی در آوردند.

۲ - شاه در عین حال حکومت خود را حکومت واقعی ملی گرا می و دموکراسی معرفی می کرد بلکه مدعی بود که ناسیونالیسم حقیقی خود است. به این معنی که خود را ناسیونالیسم مثبت و دکتر مصداق را ناسیونالیسم منفی می خواند. او برای تاء مین صورت ظاهری رژیم دموکراسی پارلمانی در سال ۱۳۳۶ دو حزب تاء سبب سا کرد یکی "حزب اکثریت" به نام "ملیون" به رهبری دکتر اقبال و یکی "حزب اقلیت" (اپوزیسیون) به نام "مردم" به رهبری اسدالله علم با این وجه مشترک که هر دو وفادار به سلطنت مشروطه و پشتیبان دربار بودند.

۳ - در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۳۶ قانون نفت به تصویب رسید. سه روز بعد اولین قرار داد دما رکت شرکت ملی نفت با یک شرکت خارجی (ایتالیا) امضا شد و در سال ۱۳۳۷ دو قرار داد دما رکت دیگر (با یک شرکت امریکائی و یک کانادائی) منعقد گردید. این قرار دادها ترتیب جدیدی در اداره صنعت نفت ایران برقرار کرد. سیستم مشهور به ۲۵/۷۵ بوجود آورد که می توان گفت یک قدم عملی در راه ملی کردن نفت بود.

۴ - در آستانه سال ۱۳۳۹ دولت برای اجرای برنامه هفت ساله تاء مین هزینه های نظامی دچار بحران مالی شدیدی گردید و صندوق بین المللی پول دولت امریکا درخواست کمک نمود. صندوق بین المللی پول با پرداخت ۲۵ میلیون دلار موافقت کرد. مشروط به اینکه دولت بودجه اش را متعادل کند و صرفه جویی های مهمی در هزینه ها به عمل آورد. بریزدنت گندی هم عطا ی کمک مالی را منوط به این شرط نمود که شاه افسراد لیبرال را وارد کابینه کند و اقدام مهمی تری در جهت اصلاحات ارضی به عمل آورد. این توصیه دولت امریکا تا اندازهای در روش شاه مؤثر واقع شد.

۵ - در تیرماه ۱۳۳۹ که عمر مجلس نوزدهم به پایان رسیده بود شاه اعلام کرد که انتخابات آزاد خواهد بود. دربار ایران نوید آزادی اللهی را صلح خود را از کاشان مزدنما بیندگی کرده و عده ای از سران نهضت از جمله دکتر صدیقی، دکتر شاپور بختیار، مهرداد بازرگان، آیت الله طالقانی و دکتر سنجابی در خانه ما لاج گرد آمدند و تشکیل جبهه ملی دوم را اعلام کردند.

۶ - در بین پیروان نهضت ملی یک نفر یعنی خلیل مکی عقیده داشت که دوراندیشی ایجاد می کند جبهه ملی بنا را بر سیاست و روش مصلحتی همکار با جناح لیبرال و مترقی طبقه حاکمه بگذارد تا موقعیت خود را مستحکم کند. اما اکثر سران نهضت هرگونه نزدیک شدن به عوا ملی را که به برانداختن مصداق کمک کرده بودند خائن تلقی می کردند. و نظریه ملکی را نسیونالیسم مثبت و نتیجه ملکی در سال ۱۳۳۹ اشعاب کرد و با تشکیل "نیروی سوم" جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران را بوجود آورد. کمی بعد جامعه مزبور رسماً "زهیتت اجرائی جبهه ملی دوم" درخواست قبول خود به عضویت در آن جبهه نمود ولی جوا بی به درخواست خود در یافت نکرد.

۷ - در اوایل سال ۱۳۴۰ با زرگان، طالقانی، سحابی، و نیزه از جبهه ملی جدا شدند و نهضت آزادی ایران را بنیان گذاشتند.

۸ - در سال ۱۳۴۰ دکتر امینی که به نخست وزیر منصوب شده و بر نامه اطلاعات ارضی را هدف اصلی حکومت خود قرار داده بود پیشنها کرد که امتیازاتی به جبهه ملی بدهد بشرط آنکه جبهه را دربار رده شدد یا انشود اما جبهه ملی اما دگی قبول یک چنین پیشنها دی را نداشت چون همه نیروی خود را بر سر یک شعار یعنی انجسام انتخابات آزاد می گذاشت. یک نویسنده عقیده دارد که جبهه ملی با این موضعگیری فرصتی را از دست داد و چنین می گوید: "اساساً قرار دادن شعار مبارزه در راه انتخابات به عنوان یک هدف استراتژیک در مقابل هدف استراتژیک مهم امینی یعنی اصلاح ارضی

بقیه از صفحه ۱

## توبه: حجاب اسلامی

بقیه از صفحه ۱

این نامه که به مدرسین حوزه علمیه قسم نسبت داده شده است، در خورتاً مل است؛ نخست از این حیث که مصطفی کمال پاشا، بنیادگذار ترکیه نوین، هیچ تلاشی نمی کرد که اعتقادات خود را در پرده ای از دروغ یا ریا بپوشاند، آشکارا به موضع خود معترف بود. ولی این قدر بردباری و بلند نظری داشت که در قانون اساسی ترکیه نوین، سر دم را در ادای مراسم دینی خود آزاد نگذاشت. آنگاه که اگر چه خود تظاهر به دین نداشت، می گفت همه کس باید در مراسم دینی خود آزاد باشد، منتها در چهار رجب معینی تا دین به خدمت هدفهای سواي آنچه با یسته آسان است در نیاید. آنگاه تورک ایمن محدودیت را فقط برای مسلمانان قائل نشد. برای بیرون کلیسا و کنش نیز قائل شد. به همین سبب از نخستین کارهای نمایانی که کرد این بود که سیاه پویشی مخصوص خود را نزد نماینده پاپ در ترکیه فرستاد تا برای اولیای مائند آنچه همه مردم می پوشند بوزد. منظور او این بود که هیچ مقارونی با لباسی که پیوستگی او را به دینی بروزی دهد، قدم در خیابان نگذارد. شعرا و این بود که دین، آری اما در چهار رجب مسجد و کنش و کلیسا.

به شکرانه آنگاه تورک، ترکیه با آن که دارای اکثریتی مسلمان است که به دین خود احترام بسیار می گذارند، در عین حال که از موضع آنگاه تورک نسبت به دین بی خبر نیستند، احترامی برای وی قائلند که می تواند نماینده حسرت رهبران محبوب جهان باشد.

اگر دوشیزگان و زنانی چند، پس از نزدیک به هفتاد سال قانون اساسی لائیک در ترکیه، تازه به یاد آن افتاده اند که باید حجابی بر چهره بگذارند و به اصطلاح در هیأت اسلامی در نظر ظاهر شوند، این به هیچ وجه برای اجرای دستورهای قرآن و اسلام نیست، برای آن است که در این هیأت، ارتجاع و استبداد دینی می خواهد نظا می پیشرفت گرا و دموکراسی طلب را به مبارزه بخواند.

یک نماینده مجلس ترکیه در این باره می گوید: "در پس رویدادهای که به بهانه رعایت حجاب اسلامی در ترکیه روی داده است، دست رژیم خمینی را باید دید."

براستی دست خمینی به همه کشورهای دور و نزدیک دراز شده است. این دست در همه جا به یک شیوه و آئین دراز نمی شود. در عراق به صورت یک درگیری نظا می دراز می شود، در ترکیه به صورت حجاب به اصطلاح اسلامی و برگذاری مراسم دسته جمعی دینی. آنگاه که در ترکیه می خواهند حجاب بر چهره بگذارند و از خانه بیرون آیند و به دانشگاهها بروند، این کار را به منظور پوشاندن صورت خود نمی کنند، بلکه می خواهند هویت

اگر چه در عرفا ملات پایای بین دو کشور مبادلات اجناس و کالاهای ساخته شده از دو طرف مطرح است ولی در این میان شاید ایران کشور نمونه ای باشد که با به حراج گذاشتن نفت که ماده ای خام و در زمان قلام طبیعی است رضایت داده و در ازای تحویل ثروت ملی خود آنهم به کمترین ارزش اجناس و محصولات دیگر کشورها را وارد می کند.

روشن است که علت عمده این طرز عمل کمیود ذخیره ریزی در کشور و بحرانهاست که ایران از این جهت از آن رنج میبرد و مهمترین آن عدم اطمینان کشورهای خودداری از پرداخت وام و اعتبار به ایران است که رژیم در نهایت ادبار و تلاش بسیار تا کنون نتوانسته است حتی یک کشور را به دادن وام و اعتبار بازرگانان ایران متقاعد سازد.

افزایش غیر طبیعی و بیش از حد حجم معاملات تهرانی برای کشورمان از این جهت نگران کننده شده است که در این نوع دادوستدهای استثنائی ممالک دریافت کننده نفت بخاطر نیازی که ایران به تولیدات و اقلام صادراتی آنها دارند و سودگران نیز بدستی به این امر آگاهند، لذا قیمت هر بشکه نفت را خود بدخواه و به نا زل ترین حد ممکن ارزیابی کرده و در عوض برای کالاهای صادراتی خود که قسمت اعظم آنها را اقلام ته مانده از انبارها و اجناس بنجل تشکیل می دهد بیشترین بها را می دهد. بطوریکه در کلیه این موارد ایران ناچار است بهر سازی که تحویل دهنده کالای نواز در بر قلمد و پایایی کند.

کشورهای که در حال دادوستد پایایی با ایران هستند با استفاده از نقطه ضعف رژیم حاضر نیستند در معاملات چند میلیار دلاری خود حتی چند میلیون دلار نیز بجای نفت از صنوعات کشورمان را بپذیرند و بهترین نمونه آن اشاره به گفتگوی بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی است که پس از عزمیت به ترکیه (اواخر خرداد ماه ۱۳۶۵) و گفتگوی پیرا مون مبادلات تهرانی ۳ میلیار دلاری با این کشور طی مصاحبه ای که در این مورد با

## عواقب دادوستد پایایی

آن نفت ارزان قیمت دریافت می کند. شرکت ایمپاننتی قرار داد چند میلیون دلاری به همین روال با جمهوری اسلامی منعقد کرده است.

بنا بر گزارش دیگر قرار داد پایایی دیگری به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار بین شرکت انگلیسی تالبوت که وسایل اتومبیل هیلمن را برای مونتاژ به ایران صادر می کند با مضاء رسیده است.

در همین نشریه آمده است تا کنون بزرگترین دادوستد پایایی انجام شده به ارزش ۳ میلیارد دلار با ترکیه انجام گرفته است و جالب اینجاست که ظاهراً این دادوستد موجب شده است از واردکنندگان خارجی به جستجوی شیوه های بی برای بهره برداری از این ارتباط بهره مند و کالاهای خود را برای عوامل محلی ترکیه بفروشد تا آنان مجدداً بر اساس قرارداد منعقد بین خود کالای مزبور را به ایران صادر کنند.

کریس پاول، درمیدل ایست تا میز همچنان اضافه می کند پاره ای از متخصصین شرکت ملی نفت ایران (بغیر از آژانسهای حاکم بر آن) در مورد دادوستدهای پایایی آنهم به این فرم نظر خوشی نداشته و چنین دادوستدهای را که موجب به هدر رفتن ثروت ملی ایران میشود نوعی بی کفایتی بشمار می آورند. بدیهی است در نمونه های آورده شده انجام معاملات پایایی به منظور دریافت اسلحه منظور نگردیده است که آن خود جای بحث فراوان دارد.

از سوی دیگر در همین بخش گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکباد) که در سال ۱۹۸۵ انتشار یافت در مورد افزایش حجم تجارت تهرانی می نویسد: "قطع منابع مالی خارجی، عدم دسترسی به دریافت وام و اعتبار راست، بالا بودن قیمت ارزها که در دادوستد بین المللی از

روزنامه اطلاعات ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۵ بعمل آورد تلویحا "اعتراض کرد که در یک چنین معامله بزرگمی موفق نشده است حتی قسمت ناچیزی از این مبلغ را به صنوعات و تولیدات ساخت ایران اختصاص دهد. بطوریکه تنها صدور نفت و بحراج رفتن این ثروت ملی تا این میزان امکان برقراری قرار داد را میسر ساخته است. اصولاً بلوک شرق از دیر زمان مبتکر اصلی دادوستدهای پایایی در جهان بوده و علت عمده آن صرفه جویی در منابع ارزی بشمار می رود توفیق ممالک نامیرده در ابتکار این نوع معاملات بخاطر آنستکه علاوه بر اینکه به مشتریان خود درازا خرید مواد اولیه ارزان قیمت ارزی پرداخت نمی کنند بلکه با عرضه محصولات و ممنوعات خویش بازار گرمی را هم بدست می آورند که امروزه این طرز کار مورد توجه دیگر کشورهای سرمایه داری نیز قرار گرفته و موجب شده است که آنها هم با اشتها بی بیشتر در برابر ممالک نیا زمیند و قادران اقتصاددین چنین رویه ای را پیش گیرند.

طبق نوشته میدل ایست تا میز (۱۶ - ۹ مارس ۱۹۸۵) تنها طی یک سال آنهم در حدی که مفسراً اقتصادی این نشریه آقاسی کریس پاول اطلاع داشته است، جمهوری اسلامی با توجه به عواقب وخیم و ناگوار آن که معاملات تهرانی از نوع رژیم آخوندی برای کشور ما در بر دارد قراردادی با کشورهای مضافاً رسیده که در همه موارد آن تنها نفت را بعنوان ودیعه به گرو گذاشته است.

شرکت ولوی سوئدی قرار دادی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار منعقد کرده قرارداد دیگری با حجم بیشتر در دست گفتگوست.

شرکت وست آلیین اتریش قرار داد پایایی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار با جمهوری اسلامی به مضافاً رسیده که در ازای تحویل ماشین آلات و ممنوعات دیگر معادل

در درون آن نیز نگانه های وقیح، زبیرون زنان را می باید.

اسلام ارتجاعی خمینی، می خواهد در ترکیه نیز کار را از زمان جانی آغاز کند که پیش از انقلاب اسلامی در ایران آغاز کرد. ولی مقامهای ترک خود را در دفاع از زمینی قانون اساسی خویش قاطع تر از آن نشان داده اند که در برابر این فشارهای اولیه کوتاه بیایند. آنها، از رئیس جمهوری گرفته تا نخست وزیر، به رژیم اسلامی فهمانده اند که از گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی نیاید و عده گسترش ارتجاع در ترکیه را به خود دیده اند.

در ایران نیز سده های پایایی زنان حجاب داشتند، در ترکیه نیز تا این حد کسی مزاحم زنان با حجاب نمی شود و نپاید بشود. ولی این بازی سیاسی با حجاب معنای دیگری دارد که نمی توان و نپاید در برابر آن کوتاه آمد.

ارتجاعی خود را به نمایش بگذارند. آنگاه اصلاً این آزادی را نمی خواهند که به دلخواه خود لباس بپوشند، بلکه حرکت آنها پیش درآمد این است که آزادی لباس پوشیدن را از بقیه زنان ترکیه سلب کنند. منظور آنها به هیچ روی صیانت آزادی خودشان نیست، تجا و زبیه آزادی دیگران است.

در ایران هنوز از ظاهرها نرفته است که پیش از انقلاب، زنان و دخترانی چند، به شیوه ای که به چشم بیاید، خود را در حجاب می پوشانند. آنگاه در آن وقت هیچکس دیگر را دعوت نمی کردند که از شیوه آنگاه به تقلید بپردازد. تا سال ۱۳۵۹ نیز هنوز زنان و دختران ایرانی، اگر می خواستند، می توانستند بدون حجاب از خانه بیرون بیایند. هنوز نگاه آنگاه را در بیرون خانه نمی پائید. اما امروزه تنها در بیرون خانه، بلکه

**رادیو محلی نهضت و آشننگین**

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین

**رادیو ایران - امتهای یخس برانه**

برنامه اول

ساعت ۷/۲۰ تا ۸/۲۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج گوتسک

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین

برنامه دوم

ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج گوتسک

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین

### عواقب دادوستد پایایی

بقیه از صفحه ۱۰

آنجا استفا ده میشود، تمایل ممالک صنعتی به دسترسی مواد اولیه رزان قیمت و دیگر عوامل موجب تبالا رفتن دادوستدهای تها تری بین ممالک نیامند و کشورهای سرمایه داری شده است، به طوری که در سالهای دهه ۱۹۷۰ این رقم جدا کثر به ۵ درصد می رسد و حال آنکه از سالهای ۱۹۸۰ به بعد حجم این معاملات به رقم ۱۷ الی ۲۰ درصد رسیده است. بدیهی است با بالارفتن این نسبت کشورهای سرمایه داری می توانند هر چه بیشتر در مرات کالاهای خود که در غیر این صورت احتمالاً به علت کمبود ذخایر ارزی ممالک خریدار ممکن بود امکان پذیر نباشد اقدام نمایند و در ازاء مواد اولیه را به نرخ های پائین دریافت کنند. البته نا گفته نماند که هزینه سنگین معاملات تها تری به کشورهای دیگر است که مجبور به صدور مواد اولیه می باشند تا حدیکه از این جهت هم این نوع معاملات با روش معمول تفاوتی فا حش دارد...

با توجه به اینکه متجاوزاً از ۲۰ درصد فروش نفت ایران به صورت پایایی به حراج گذاشته میشود و همانطور که گفته شد اصولاً توسل به این نوع معاملات بخوا طرکمبود ارز و عدم دسترسی به اخذ مواد اعتبارات صورت می گیرد، این حقیقت را با بسد پذیرفت که رژیم جمهوری اسلامی با به گرو گذاشتن و حراج نفت ایران سالها به سه طور متوسط نزدیک به ۵ میلیارد دلار ( نزدیک به یک بیستم فروش کل نفت ) از ممالک سرمایه داری و اموا اعتبار بازرگانان دریانی دریافت می دارد، منتهی این دریافت اعتبارات آن چنان وانمود می سازد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی مزورانه اعلام میدارد که دولت تا کنون هیچگونه امویا اعتباری از دیگر کشورها دریافت نداشتهاست.

حقیقت را اگر چه آخوندها هیچگاه نخواهند پذیرا باشند ولی این سیاهکارها و دروغ پردازیها از دید ملت هشیار ایران و صاحب نظران، همیشه روشن و نمایان بوده است.

### خمینی در برابر

### نثار واقعیتها

بقیه از صفحه ۷

بین المللی میتوان این سلاحها را از راه " قانونی " به جنگ آورد. ایما " شکست تها جم خیر به سود جناحی تمام میشود که تاء کید بر مسلح کردن ارتش با سلاحهای مدرن داشته است. از آنجا که کاهش درآمد ناشی از فروش نفت بسیار جدی است، توانایی ایران را در فراهم کردن سلاح از بازارهای سیاه به قیمت های گزاف ناممکن ساخته است. به نظر میرسد چه خمینی بخواهد چه نخواهد موقعیت ها در به سود جناحی تمام می شود که خواهان گرایش رژیم به سمت غرب است. طی هشت سالی که از عمر رژیم می گذرد هیچگاه خمینی به اندازها مروز زیر فشار واقعیتها نبوده است.

### دریایی نامن

روزنا مه لیبریا سیون چاپ پارسیس در مقاله ای زیر عنوان " تشدید جنگ دریایی درخلیج فارس " می نویسد: به گزارش روزنا مه انگلیسی لویدز لیست نشریه بیمه لویدز در سال ۱۹۸۶ بیش از صد کشتی درخلیج فارس بمباران شدند. به این ترتیب، نیروهای دو کشور درگیر در جنگ در سال ۱۹۸۶ میزان بمبارانهای خود را نسبت به سال ۱۹۸۵ افزایش داده اند. در سال ۱۹۸۵ موا رد بمباران کشتی ها به ۶۱ مورد رسیده بود.

در سال ۱۹۸۶ جمهوری اسلامی علاوه بر موشک های هوا به زمین موشک های زمین به زمین برای غرق کردن کشتی ها بکار برد. عراق نیز با کشیدن دامنه عملیات شکار ی بمباران های خود تا پایانه لارک و نزدیکی تنگه هرمز بر وسعت منطقه نامن برای کشتی های بازرگانان افزود.

عراق در اکثر حمله های خود از موشکهای اگزوست و آ-اس-سی استفاده کرده است. این هر دو نوع موشک در شب نیز مانند روز قابل استفاده است و البته پوشیده نیست که هر دو ساخت فرانسه است. لیبریا سیون می افزاید: صنایع فرانسه، برای رعایت جانب عدالت در راه تسلیح نیروی هوایی جمهوری اسلامی نیز کوشیده است. یعنی تعداد دقرا و نسبی موشک هوا به زمین آ. اس. دو ا زده و نیز زمین های کهنه ای که غالباً " منفجر نمی شود در اختیار ایران نهاده است. ظاهراً خلیانان ایرانی از موشک های امریکایی " ماوریک " که هم سنگین تر و کارآمدتر است و هم برد بیشتری دارد نتیجه بهتری گرفته اند.

بعضی شرکت های کشتی رانی بویژه شرکت های که نفتکشهای رابط بین خارک، سیری ولارک را به ایران اجاره می دهند، برای مقابله با خطر بمبارانهای کشتی های خود را به سیستم های حفاظت ضد موشک مجهز کرده اند. هر چند که در کارایی این تجهیزات جای تردید فراوان وجود دارد.

در دوی کشتی های نفتکش از ماه های پیش برای بهره مند شدن از ماده " سحر " آسانی که توسط یک شرکت انگلیسی تهیه می شود و خاصیت دفع ویا دورماندن از حمله موشکها را دارد، صرف می کشیدند. اما هنگامی که نخستین نفتکش مجهز به این ماده سحر آسا و گران قیمت، در میان خارک و سیری هدف بمباران عراقیها قرار گرفت، شرکت انگلیسی بلافاصله اعلام کرد که نفتکش سانه دیده گریه ماده دفعه مزبور مجهز نبود و شک خسارت بیشتری می دید. البته نا گفته نماند که نفتکش بد قبل دیگر ازجا نچینید و یا زهم نا گفته نماند که موشک دیگری بی هیچ زحمتی بر نفتکش مزبور فرود آمد و بکلگی گارش را ساخت.

### رابعه و بکتاش

### عشق شورانگیز

### قدیم ترین شاعره فارسی زبان

بقیه از صفحه ۶

خویش بهانه ای بگیرد و خون او را بریزد. از سوی دیگر بکتاش هر شعری را که از ابعه می گرفت در صندوقچه ای می گذاشت. روزی رفیق وی که گمان می کرد وی گوهرهای گران بها در آن صندوقچه نهاده است، نهانی در آن بگشود و شعرهای رابعه را بیافت و بی درنگ آنها را نزد حارث برد و بدو فروخواند. حارث نیز بی هیچ تحقیق و تعمق بفرمود تا حما می را سخت گرم کردند. آن گاه هرگز زن را گفت تا رگ هردوست او بگشا دو او را به حما مفرستاد. به دستور وی چون رابعه به حما مرفت در حما مرا تیغه کردند.

رابعه در آن حما مفرماند. فریا بسیار کرد اما سودی نداشت تا چار: سرانگشت در خون میزد آن ماه بسی اشعار خود بنوشته نگاه ز خون خود همه دیوار بنوشته بذریدل بسی اشعار بنوشته چو در گمرا به دیواری نمودش ز خون هم نیز بسیا ری نمودش همه دیوار رجون بر کرد از شاعر فرو افتاد چون یک پا ره دیوار میان خون و عشق و آتش و آتشک برآمد چنان شیرینش بصدرشک چو بگشا دند گمرا به دگر روز چه گویم من که چون بود آن دل افروز چو شاخ زعفران از پای تا فرق ولی از پای تا فرقش بخون غرق ببردند و با بش پاک کردند دلی پر خون بیزیر خاک کردند نگه کردند بر دیوار آن روز نوشته بود این شعر جگر سوز نصیر عشقم این آمد در گاه که در دوزخ کننندش زنده ناگاه که تا در دوزخ اسراری که دارد میان سوز و آتش چون نگار در توکی دانی که چون با یدنوشتن چنین قه بخون با یدنوشتن

خبر قتل فجیع و جان سپردن دردناک دختر زیبای لطیف طبع و پاک دامن به بکتاش رسید. او نیز در فریاد معشوق، مانده تمام مردم شهر گریبان چاک زد و به تلخی گریست. اما در برابر معشوق براری خود وظیفه ای دیگر نیز احساس می کرد:

به آخرفرمستی می جست بکتاش که تا از زیر چاه آمد بلاش نهان رفت و سر حارث سحرگاه بیژید و روان شد تا سر راه به خاک دختر آمد جا مه برزد یکی دهنه گرفت و بر جگر زد از این دنیای فانی رخت برداشت دل از زندان و بخت برداشت نبودش صبری یا ریگانه بدو بیوست و گوتش شد قسانه به درستی نمی دانیم این داستان، یا

بقیه از صفحه ۹

نمی توانست برای توده ها جالب و شورانگیز باشد. استراتژی امینی که با زندگی روزمره میلیونها مردم روستاها بستگی داشت در مقابل استراتژی جبهه ملی... احتمال برد بسیا ریشتری داشت (۷). نویسنده چنین نتیجه می گیرد که رهبری جبهه ملی با عدم توجه نسبت به مسئله حیات و اصلاح راضی اجازه داد تا عیبت حاکمه پیشقدم چنین تحولی بشود. (۸)

۹ - دکتر امینی در تیرماه ۱۳۴۱ استعفا کرد و اسدالله علم به نخست وزیری منصوب شد و حتی پیش از امینوسی سعی کرد به جبهه ملی نزدیک شود. وی با اللهیار صالح و دونفر دیگر از سران جبهه ملاقات کرد و بطوری که شایع شد پیشنهاد سه بسا وزارت بها عضای جبهه ملی نمود ولی جبهه ملی قبول این پیشنهاد را مشروط به انجام انتخابات آزاد کرد. علم وعده آزادی انتخابات را داد ولی از طرز عمل او معلوم گردید که قصد انجام این وعده را ندارد.

مصدق  
و نهضت ملی ایران  
در کساکش چپ و راست  
دانه گاهی که از چشم

- ۱ - کتاب " خاطرات و تاء لعات مصدق " صفحه ۳۹۷
- ۲ - بند ۷ گزارش محرمانه سفیر امریکا مورخ ۶ ژوئن ۱۹۵۳ (۱۶ خرداد ۱۳۳۲) که ترجمه آن در بخش " وضاع و پیش آمدها " که مندرجه سقوت دولت گردید " نقل شد.
- ۳ - Woodhouse P. 131
- ۴ - End of Empire P. 226
- ۵ - همان ما حد ۱۹۲
- ۶ - Richard Cottam: 288
- ۷ - خاطرات سیاسی طلیل ملکی بامنده به قلم کانون زبان صفحه ۱۴۲
- ۸ - همان ما خدمت صفحه ۱۴۸

### درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰۰۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۲۰۰۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

این جانب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین )  
 نام خانوادگی : Nom  
 نام : Prénom  
 آدرس : Adresse

ما یلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانك فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... ارسال می کرد.

تاریخ : امنا

شماره حساب پستی :

QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

### توجه لازم

تتمنا دارد تقاضای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامها ش که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

دست کم خطوط اصلی آن با واقعیت وفق می دهد یا نه. اما ساختن داستانهای بدین شورا انگیزی در قرن پنجم و ششم هجری برای قدیم ترین شاعره فارسی زبان که شعری از او با زمانه است در جای خود بسیا رجا لب توجه است.

- \* گرگ آشتی : آشتی ظاهری و دروغین ، که در باطن دل های دو طرف برداشتمنی باقی باشد. ظاهراً " از این جهت آن را گرگ آشتی گویند که گرگ برای حمله به طعمه خویش، هرگاه هتنها باشد و صید را قوی یا بدبیش می آید و با زمی گردد و چند بار این کار را تکرار می کند تا زمان را برای حمله مسا عدیا بد، یا صید را غافل کند و بدو حمله آورد.
- \*\* سمر: بهد وقتحه = افسانه، این جا به معنی معروف و مشهور است.
- \*\* بشولیدن: برهم زدن، بریشان و پراکنده کردن.
- \*\* منسوبه: یکی از هفت بازی نردو نخستین بازی شطرنج را گویند که سه در بران مغلوب شدن در حریف قطعی است.



هم میهنان عزیز!

هر روز تلخ خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ یاریس

بقیه از صفحه ۱

حکمرانان عموماً " همینطورند. حکومتی که بدستشان می افتد کم در نظر آنها حکم میراث بدی را پیدا می کند و نه فقط حاضر نمی شوند آن را از دست بدهند یا کسی را در مالکیتش سهمین کنند بلکه بعد از مرگشان هم می خواهند از مملکت اولادشان خارج نشود. تاریخ بندرت کسی را مثل ژنرال فرانکو دیده است که هر چند مملکت را بزور شمشیر تسخیر کرده بود، بعد از چهل سال اقتدار مطلق، وقتی میخواست بمیرد عوض آنکه حکومت را برای پسرش بگذارد ولیعهد سابق، یعنی همین خوان کارلوس پادشاه کنونی را بر تخت نشاند و گفت من وظیفه خودم را به انجام رساندم. حال موقعی است که سلطنت مشروطه به اسپانیا برگردد و مملکت به جاده دموکراسی بیفتد.

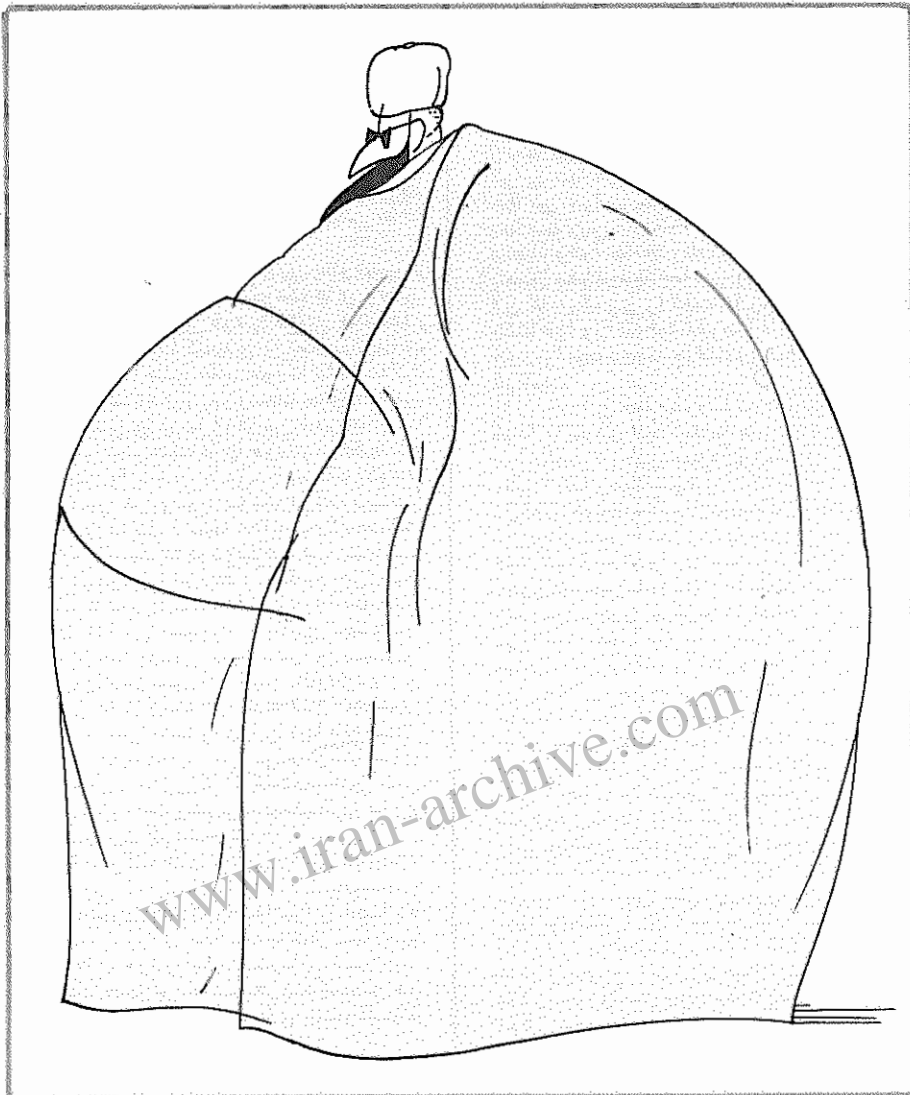
آیت الله خمینی برخلاف ژنرال فرانکو آن وقتی که قدرت را قبضه نکرده بود میگفت ما دنبال حکومت نیستیم، ما طلبه ایم و اگر به ایران بازگشتیم می رویم به قم دنبال طلبگی خودمان. ولی از همان لحظه که دستش به قدرت بند شد نشان داد هدفش از تمام این بازیها رسیدن به حکومت بوده است نه چیز دیگر و حال آنکه حکومت را بدست آورده همه اش را یکجا می خواهد و حاضر نیست به هیچکس سهمی بدهد.

آیت الله خمینی در صورتی که با کودتای روی کار آمده بود همان روز اول به قصر گلستان میرفت و بر تخت مرمری نشست و تاج بر سر می گذاشت و خود را سلطان و پسرش احمد را ولیعهد میخواند. ولی او با موج انقلاب روی کار آمد و بلاطه، چکمه بپا نداشت. نعلین بپا نداشت. کسی که نعلین می پوشد برخلاف چکمه پوش ها باید محتاطانه قدم بردارد و حتی وقتی به میال می رود مراقب باشد که داخل شدن با پای راست او حوط است یا با پای چپ. در اوایل انقلاب هر کس چند قدمی در خیابان ها راه میپیمایی کرده و چند بار " مرگ بر شاه " گفته بود خود را در انقلاب ما حبه سهم میدانست. آیت الله نمیتوانست همه آنها را یکمرتبه کنار بزند و بگوید قدرت شریک بر نمی تابد. مجبور بود این مدعیان را بتدریج و گروه گروه بر سر جای شان بنشانند. اولین کاری که کرد این بود که در میان غوغای طرفداران جمهوری دمکراتیک و جمهوری دمکراتیک ملی و انواع دیگر جمهوری، با کمال خونسردی گفت مردم برای اسلام قیام کرده اند و حکومت اسلامی را خواستارند. بنا بر این جمهوری اسلامی وس. نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر!

در کلمه " جمهوری " هیچ یک از مدعیان حرفی نداشت. بر کلمه " اسلامی " هم کسی جرات نمی کرد ایراد بگیرد. در نتیجه، رفرا ندوم بمنظور تعیین رژیم جدید همانطور که آیت الله را دیده بود با گزینش " جمهوری اسلامی " به انجام رسید. ترنند بعدی آیت الله خمینی، تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان بود. احزاب و سازمان ها و گروه های مختلف روشنفکران و تحصیل کرده ها که همچنان انقلاب را با وردا شنند پیش خودشان می گفتند بگذار خمینی دلش به این صفت

والاحضرت اقدس

حاج احمد آقا ولیعهد!



مثل میخ طویله قمی در وسط قانسون اساسی کوبید. یکنفر قمی خانه بی بفروش گذاشته بود با این شرط که حق کوبیدن یک میخ واستفاده از آن برایش محفوظ باشد. مشتری رفت خانه را دید و پستید و با خودش اندیشید که از یک میخ آسبسی بخانه نمیرسد. وقتی معالمانجام گرفت فروشنده میخ طویله بی بردیوار خانه کوبید و لانه سگی را از آن آویخت و قرار گذاشت هر روز بیاید و به آن سر بزند. روزهای بعد، تعفن لانه سگ

" اسلامی " در پشت کلمه جمهوری خوش باشد. برای ما چه فرق میکند که رژیم تازه جمهوری اسلامی نامیده شود یا جمهوری دمکراتیک. مهم، قانون اساسی است. ما به مجلس مؤسسان میرویم و یک قانون اساسی دموکراتیک می نویسیم و برای هر مقامی حدود و وظایف تعیین می کنیم. وقتی مملکت دارای رئیس جمهوری و نخست وزیر و دولت و مجلس شد دیگر کسی نمی تواند در مقام بنشیند و خود را صاحب اختیار مطلق تصور کند. خمینی با تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان درین مرحله نیز آب پاکی روی دست حریفان ریخت. در مجلس خبرگان اکثریت با آخوندها بود ولی دیگران هم بودند و هنوز استبداد آخوندی به آن صورت شکل نگرفته بود که مجال نفس کشیدن را از همگان سلب کند. در نتیجه، آیت الله خمینی آن گروه را زمامتندگان مجلس خبرگان را که در مدتها وین قانون اساسی دموکراتیک بودند به حال خودشان گذاشت تا بر سر لفاظ و عبارات بر سر و مغز هم بزنند و خود را دستیار شیخ حسینعلی منتظری و آخوندهای متنفس مرتجع، اصل گذاشتی و ولایت فقیه را

فضای خانه را پر کرد بطوری که زندگی برای خریدار جهنم شد. هیچ کاری هم از دستش بر نمی آمد چون سندی بودن نوشته و شرطی قبول شده. آخرش چاره بی برای او نما ندجز آنکه خانه را در مقابل بهای نا چیزی به مردم قمی بفروشد و خودش را خلاص کند.

اصل ولایت فقیه، برای مابقی اصول قانون اساسی ارزشی باقی نمی گذاشت زیرا بر اساس همان یک اصل بنسبای دیکتاتوری جدید پایه گذاری شد و از شکم انقلاب اسلامی یک " خلیفه " بیرون آمد که قائم مقام خادروزی زمین محسوب میشد و مثل خدای اختیار را تا محسود داشت بی آنکه در مقابل هیچ مقام و مرجعی مسئولیت داشته باشد.

همان وقت که اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان اول به تصویب رسید با زاگر و قتش بود و واقع و احوال اجازه میداد آیت الله خمینی در کنار اصل ولایت فقیه، اصل دیگری هم میگذاشت که مقام " ولایت " نسل " بعد نسل حق اولاد ذکور می خواهد بود ولی آن وقت هنوز آیت الله میخواست و نمود کند که او برای خودش و خانواده اش چیزی نمی خواهد. فقط میخواست هدیک حکومت اسلامی بنا نهاد و سرشته آن را بدست فقها بسازد.

بعدها، با سیردن نقش قائم مقام موبالخره جانشین مقام رهبری به آیت الله منتظری دیگر برای عموم یقین حاصل شد که آیت الله خمینی اگر چه خودش با ادغام سلطنت و خلافت همان نوع حکومتی را برقرار کرده است که در تاریخ اسلام، معاویه پایه گذاشت و مبدع آن بود ولی لا اقل بفرگتاء سبب " سلسله " نیست. حال آنکه اکنون معلوم میشود خمینی هیچ وقت از چنین فکری غافل نبوده است و فقط فرصت مناسبی لازم داشت تا قیام ولایت فقیه را بر قامت آقا زاده ببرد و بدوزد.

از قضا، ولیعهد ما خمینی شباهت های اخلاقی فراوان به ولیعهد معاویه دارد و هم فاسق و فاجراست، هم تهی مغز و خودخواه و بیددهان و بی رحم.

بیچاره مردم ایران که در آرزوی حکومت علی بودند، حکومت معاویه نصیبشان شود و حال تازه با ید خودشان را برای دوره یزید آماده کنند!

بقیه از صفحه ۱

ماجرای پنهانی ارسال اسلحه فرانسوی به ایران

تکرانی خود را از این امر بازداشتند. رئیس سازمان امنیت خارجی فرانسه " خطا " در تاریخ آوریل ۱۹۸۴ رئیس جمهوری فرانسه را از ماجرا آگاه ساخت. به نوشته " اکسپرس " بدون تردید در ژوئن ۱۹۸۴ بلنندیا به ترین مقامات فرانسه از قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی اطلاع داشتند اما اقدامی برای جلوگیری از آن به عمل نیامد و در نتیجه، بر اساس این گزارش مجموعاً " طی سه سال ۴۵۰ هزار گلوله سبک توپ و خمپاره به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی فروخته شده است. " اکسپرس - ۶: تا ۲۲ ژانویه ۸۷

در آن زمان وزیر دفاع وقت فرانسه نازل هرنو اعلام کرد که از این ماجرا آگاهی نداشت و در ماه مارس سال گذشته شرکت لوسر را تحت بیگردقا تونی قرار داد. به نوشته " اکسپرس " تحقیقات سازمان کنترل کل ارتش فرانسه که از مارس تا ژوئن ۱۹۸۶ طول کشید به این نتایج منتهی گردید: قاچاق اسلحه فرانسوی به جمهوری اسلامی در ژانویه ۱۹۸۳ از سوی سازمان امنیت خارجی فرانسه کشف شد و بلافاصله رهروهای سازمان مذکور در کن ۲ ارتش چندیسار مراتب را به وزیر دفاع اطلاع دادند و

نشانی:

QYAM IRAN  
C/O G.B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE



ایران هرگز نخواهد مرد